

واکنش خشمگین رژیم نسبت به گزارش گالیندوپل

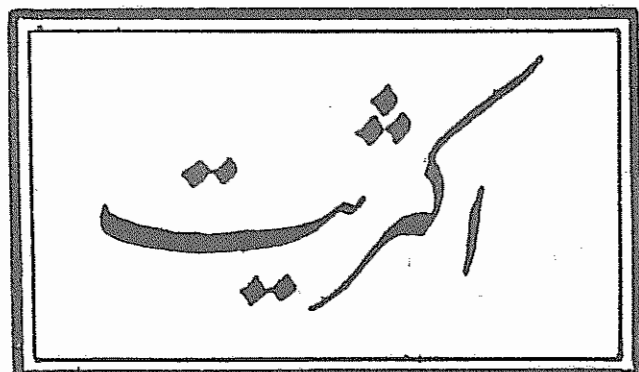
رفسنجانی: سروصدای اخیر در مورد نقض حقوق بشر در ایران به خاطر مخالفت ما بالشرک کشی به منطقه است!

صدای "آخر در مورد نقض حقوق بشر در ایران، مخالفت جمهوری اسلامی با لشکرکشی به خلیج فارس است!" رژیم جمهوری اسلامی که تاپیش از این تلاش بسیاری کرده بود تا بازرس ویژه را به تعیه گزارش قابل قبولی برای سران رژیم راضی سازد، اکنون بار دیگر مجبور به استفاده از حربه قدیمی خود شده و سازمان ملل و کمیسیون حقوق بشر وابسته بدان را عامل استکبار جهانی معرفی می کند تا بدین طریق گزارش اخیر بازرس ویژه را بی اعتبار اعلام دارد. اما واقعیت آن است که این گزارش تنها گوشه هایی از سرکوب خشن حقوق انسانها در جامعه ایران و سرکوب بیرحمانه احزاب و سازمانهای سیاسی را منعکس کرده است. آنچه که در کشور ما می گذرد بسیار وحشیانه تر و ضدانسانی تر از آن است که در گزارش آقای گالیندوپل منتشر شده است.

زندانیان سیاسی در ایران دیدار کند. گزارش گالیندوپل علیه رژیم خشمگین منعی آن، از جمله ادامه سکوت در مورد فاجعه کشتار همگانی زندانیان سیاسی در سال ۶۷، سند محکومیت رژیم اسلامی است و به همین جهت خشم سران رژیم را برانگیخته است. این گزارش تلاشهای دولت رفسنجانی در جهت ارایه چهره های قابل قبول و مپانه رو از رژیم اسلامی در جهان را نقش بر آب کرده است و نشان می دهد آنچه در ایران حاکم است کماکان نقض وحشیانه حقوق بشر، سرکوب، شکنجه و اعدام مخالفان سیاسی و عقیدتی رژیم است.

انتشار دومین گزارش رینالدو گالیندوپل بازرس ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد با واکنش گسترده ای روبرو شده است. این گزارش با صراحت بیشتری نسبت به گزارش اول او پایمال کردن وحشیانه حقوق بشر در ایران، اعدامهای گسترده، شکنجه و بدرفتاری با زندانیان سیاسی، نقض گسترده آزادی بیان، سانسور و فشار بر روزنامه های غیروابسته و فعالیت های هنری و ایجاد جو اهراب بو ترس در میان مردم را مورد تایید قرار داده است. گزارش گالیندوپل حاکی از آن است که رژیم تقاضای بازرس ویژه در مورد تایید قرار داده است. گزارش گالیندوپل حاکی از آن است که رژیم تقاضای بازرس ویژه در مورد ملاقات با تعدادی از زندانیان سیاسی را رد کرده و به او اجازه نداده است که آزادانه با

جهت اهداف برتری طلبانه خود گام بردارد. اشغال نظامی کویت توسط عراق که بلافاصله با واکنش شدید جهانیان و دولت ها مواجه شد و بعنوان نمود تقابلی آشکار با روند ایجاد نظم بین المللی نوینی که در آن اعمال زور و استفاده از قدرت نظامی می بایست به فراموشی سپرده شود، مورد نگرانی قرار گرفته شدیداً محکوم شد. پیوستن تقریباً همه کشورهای جهان به قرار محاصره اقتصادی عراق و اعمال فشار اقتصادی و سیاسی بر این کشور با امید به موثر بودن این طریق و جهت مقابله با ایجاد یک فاجعه جنگی صورت پذیرفت. در اقتصاد هم پیوسته و درهم تنیده جهانی، محاصره کامل اقتصادی کشور عراق که تقریباً همه کشورهای عضو سازمان ملل به آن پیوسته اند، در جهان کنونی ما، آن حربه ای است که دیر یازود دولت عراق را به زانو در آورده و به ترک کویت و پای میز مذاکره خواهد کشاند. تاکید محافل در دولت های غربی و بویژه گرایش نیرومندی در دولت آمریکا بقیه در صحنه ۳



دوشنبه ۱۲ آذر ماه ۱۳۶۹ برابر ۳۲۹
۳ دسامبر ۱۹۹۰ - سال هفتم - شماره

قطعنامه شورای امنیت علیه عراق

* دولت آمریکا موفق شد شورای امنیت را به موضع موافقت با حل نظامی بحران خلیج فارس بکشاند

شورای امنیت سازمان ملل متحد در جلسه ۲۹ نوامبر خود یازدهمین قطعنامه این شورا علیه عراق را تصویب کرد. بموجب این قطعنامه در صورتی که عراق تا تاریخ ۱۵ ژانویه خاک کویت را تخلیه و گروگان های غربی را آزاد نکند استفاده از همه وسایل مجاز خواهد بود. "استفاده از همه وسائل" بیان حقوقی مجاز شمرده شده است. در شرایطی که کشاکش حاد بر سر نحوه حل مساله اشغال کویت توسط رژیم عراق در جریان است و نیروهای وسیعی در جهان می کوشند که بر تمانیات سلطه جویانه و جنگ افزورانه دولت بوش مبنی بر حل نظامی بحران قلبه کنند، یازدهمین قطعنامه شورای امنیت و دادن اولتیماتوم به دولت عراق، گامی در جهت تقویت مواضع نیروهای خواهان به زانو در آوردن عراق از طریق نظامی محسوب شده و امکانات رفع تجاوز از طریق مسالمت آمیز را تخفیف می دهد. شک نیست دولت آمریکا با داشتن مجوز از جامعه بین الملل قاطعانه تر در

جهت اهداف برتری طلبانه خود گام بردارد. اشغال نظامی کویت توسط عراق که بلافاصله با واکنش شدید جهانیان و دولت ها مواجه شد و بعنوان نمود تقابلی آشکار با روند ایجاد نظم بین المللی نوینی که در آن اعمال زور و استفاده از قدرت نظامی می بایست به فراموشی سپرده شود، مورد نگرانی قرار گرفته شدیداً محکوم شد. پیوستن تقریباً همه کشورهای جهان به قرار محاصره اقتصادی عراق و اعمال فشار اقتصادی و سیاسی بر این کشور با امید به موثر بودن این طریق و جهت مقابله با ایجاد یک فاجعه جنگی صورت پذیرفت. در اقتصاد هم پیوسته و درهم تنیده جهانی، محاصره کامل اقتصادی کشور عراق که تقریباً همه کشورهای عضو سازمان ملل به آن پیوسته اند، در جهان کنونی ما، آن حربه ای است که دیر یازود دولت عراق را به زانو در آورده و به ترک کویت و پای میز مذاکره خواهد کشاند. تاکید محافل در دولت های غربی و بویژه گرایش نیرومندی در دولت آمریکا بقیه در صحنه ۳

قلاش سران جناح ها برای مهار درگیرها

خودی به شدت ادامه یافته است. خبرهایی از درگیری های خیابانی، از جمله در ترکمن صحرا بین هواداران دو جناح منتشر شده است. تلاش های آشتی جویانه، مورد مخالفت افراطیون هر دو جناح قرار دارد. در این میان مهدی کروبی رئیس مجلس شورای اسلامی که طی هفته های اخیر مواضع متزلزل و سازشکارانه ای نسبت به هاشمی رفسنجانی و خامنه ای بروز داده، بیش از پیش مورد خشم و انتقاد هم فکران خود قرار می گیرد، بسیاری از مردم، حتی هواداران جناح خط امامی این مواضع کروبی را ناشی از ترس او مبنی بر برملا شدن فسادهای مالی و اخلاقی وی می دانند.

مرحله غیر قابل کنترل و کوشش جهت مهار آنها است. طی هفته های اخیر افشاگری نمایندگان طرفین با شدت تمام ادامه یافته است. هواداران جناح تندرو در مجلس لبه تیز حملات خود را متوجه سیاست های اقتصادی رژیم ساختند. آنها طی بیانیه ای به مناسبت هفته بسیج ناراضیتی خود را از سیاست های حاکم اعلام کردند. طی مصوبه ای ۱/۴ بودجه رادیو و تلویزیون را که تحت کنترل محمد هاشمی برادر رفسنجانی است کاهش دادند. در سطوح وزارتخانه ها و ادارات محلی تلاش دو طرف برای بیرون راندن هواداران جناح مخالف از مسئولیت ها و فصب این مسئولیت ها توسط نیروهای

رفسنجانی اعلام کرد که مجلس آماده همکاری با دولت است. وی ضمن ابراز تاسف از برخوردهای شدید بین هواداران دو جناح گفت: تنگ نظری ها در برخوردهای اخیر به وحدت و انقلاب ضربه میزند و باید از آن ممانعت کرد. هاشمی رفسنجانی نیز متقابلاً از کروبی به عنوان چهره ای مبارز نام برد و خاطر نشان ساخت که همه ما باید برای شکوفا شدن اقتصاد تلاش کنیم و من بعنوان رئیس جمهور قول می دهم برای رفع تنگناهای اقتصادی تلاش نمایم. وی هر دو جناح را به حفظ وحدت و سازندگی فراخواند. برگزاری این مجلس آشتی کنان ناشی از وحشت سران رژیم در کشیده شدن درگیری های جناح های رقیب به

علیرقم تلاش برای آتش بس، درگیری بین دستجات مختلف حکومتی طی هفته های اخیر ادامه یافته است. سران جناح های متخاصم رژیم اسلامی پس از کشاکش های شدید بر سر انتخابات مجلس خبرگان که به پرده درمی های بیسابقه و درگیری های خیابانی منجر شد، هفته گذشته جلسه آشتی کنان تشکیل دادند. در اجتهایی که چهارشنبه گذشته در کاخ ریاست جمهوری برگزار شد، اعضای هیئت دولت و گروه بزرگی از نمایندگان مجلس حضور یافتند و کسانی که تا چندی پیش آشکارا به یکدیگر حمله می کردند، به تعریف و تمجید از هم پرداختند، کروبی رئیس مجلس ضمن تقدیر از تلاش های

گرانی روز افزون از هم اکنون افزایش ناچیز حقوقها را می بلعد

بزرگ جمهوری اسلامی به مردم معرخی می شود، بهیچ روی قادر نیست مشکلات بی شمار زندگی مردم و بویژه کارمندان دولت را حتی کاهش دهد. در حالیکه بنا به آمارهای ارایه شده از سوی نمایندگان مجلس تورم طی سالهای حکومت اسلامی به بیش از ۱۶۰۰ درصد رسیده است، و بسیاری از کارمندان دولت مجبورند حقوق رسمی خود را یکجا به صاحب خانه تحویل دهند. افزایش ۲۰ تا ۳۰ درصد به حقوق کارمندان دولت قطعاً نخواهد توانست مشکل کمر شکن کاهش روز افزون قدرت خرید مردم را حل کند. و تعادلی بین درآمدها و هزینه ها ایجاد نماید. هاشمی رفسنجانی ضمن توجه به این واقعیت در نماز جمعه هفته گذشته ایجاد تعادل بین درآمد و نیازهای معیشتی را مثل هر موضوع دیگری به پایان برنامه ۵ ساله خود موعول کرد و مردم را دست کم برای چند سال دیگر به صبر و تحمل دعوت کرد. بقیه در صحنه ۲

گرانی روز افزون از هم اکنون افزایش ناچیز حقوقها را می بلعد. رژیم جمهوری اسلامی هفته گذشته در پی ناراضیاتی روز افزون مردم ناچار شد حقوق کارکنان دولت را افزایش دهد. تبلیغات رژیم حول افزایش حقوق و دستمزد کارکنان دولت، هفته گذشته داغ ترین موضوع بحث در روزنامه ها، رادیو و تلویزیون و مردم بود. تبلیغات چنان پر دامنه و با هیاهو صورت گرفته است که خود واقعیت افزایش حقوقها را تحت الشعاع قرار داده است. مطابق مصوبه مجلس به حقوق و دستمزد کارکنان مشمول قانون استخدام کشوری ۲۰ هزار ریال و به حقوق کارکنان بازنشسته و مستمری بگیران مبلغ ۱۰ هزار ریال افزوده خواهد شد. این افزایش حقوق تنها کارکنان رسمی دولت را شامل خواهد شد و کارکنان پیمانی و قراردادی را در بر نخواهد گرفت. افزایش این مقدار در واقع ناچیز حقوق و دستمزدهای بخشی از کارکنان دولت که با بوق و کرنا بعنوان هدیه



بسیاری از این مسافران می توانستند با تاکسی رفت و آمد کنند اما اکنون که نرخ کرایه تاکسی گران شده از روی ناچاری رویه اتوبوس آورده اند. باید از مسئولان خدمات شهری پرسید در این شرایط شرکت واحد چقدر به امکانات خود افزوده است؟ کیهان ۲۹ آبان

انتظار تا کی؟

اینجا ترمینال میدان امام خمینی است. زمانی است که ادارات تعطیل شده و کارمندان می خواهند به خانه برگردند، اما از ظواهر امر پیداست که به این زودیها از اتوبوس خبری نخواهد بود.

مصاحبه با حسن شریعتی مدیر عضو شورای مرکزی جمهوری خواهان ملی ایران

(بخش دوم)

پرسش: مواضع و دیدگاه شما در مورد سازمان مجاهدین خلق چگونه است و چه مسائل و مشکلاتی مانع اتحاد عمل شما و این سازمان میشوند؟

پاسخ: از سازمان مجاهدین به سبب رواج شیوه فرمانروایی از بالا و چفت و بستهای محکم سازمانی خبری در مورد گرایش های دموکراتیک درون آن به بیرون درز نمی کند. و ما بهیچوجه نمیدانیم که اصولاً چنین گرایشی حداقل بعنوان جوانه های ابتدایی در افراد این سازمان وجود دارد یا نه. در واقع در سازمانهایی که خواندن کتاب و بحث و گفتگو باید با اجازه رهبری صورت گیرد، طبیعی است که امکان اطلاع ما هم از وضعیت آن بسیار اندک است. ولی اگر زمانی مجاهدین مانند همه طیف های چپ تبدیل به نیرویی با خواستهای دموکراتیک یاد رجهت تحولاتی برای دموکراتیزه سازمان خودشان بشوند، پس از برخورد با گذشته سیاسی و انتقاد صادقانه از اعمال قبلی اشان و از رهبری اشان هیچ مانعی برای پذیرش آنها به جمع اپوزیسیون دموکرات ایران نیست. ولی در وضع فعلی ما هیچ امکانی برای همکاری سیاسی میان نیروهای دموکرات و معتقدین به دیکتاتوری نمی بینیم.

پرسش: حزب دموکرات کردستان که از نظر شما هم یکی از نیروهای مهم اپوزیسیون دموکرات به شمار می رود، شعار "دموکراسی برای ایران"، خودمختاری برای کردستان را مطرح میکند. سازمانهای چپ و دموکرات اپوزیسیون هم این خواسته حزب دموکرات را به این یا آن شکل در برنامه و کارپایه سیاسی خود گنجانده اند. اما جمهوریخواهان ظاهراً با شعار خودمختاری و مفهوم نهفته در آن چندان توافقی ندارند و بجای آن از عدم تمرکز قدرت و برپایی بنیادهای منطقه ای برای شرکت مردم در تصمیم گیری و اداره امور محلی و منطقه ای صحبت میکنند. انتقاد و عدم تفاهم شما نسبت به مقوله خودمختاری چه دلایلی دارد؟

پاسخ: ما از ابتدا روابط حسنه ای با حزب دموکرات داشته ایم. ولی در مورد مسئله خودمختاری دو دید متفاوت وجود داشت که بیشتر هم به ما برنمیگشت. تا آنجایی که من میدانم دید سیاسی حزب دموکرات به میزان زیادی تکامل یافته است. در مورد خواسته های سیاسی این حزب ابتدا این ابهام برای ما وجود داشت که حزب دموکرات خودمختاری را بعنوان یک حق ویژه میخواند، یا برای همه اقوام ایران مد نظر دارد؟ و برای ما مطرح بود که این حق را از کی میخواند، از یک دولت دیکتاتور میخواند و یا اگر یک دولت دموکرات و یا یک مجلس موسسان منتخب مردم در جاتی از خودمختاری یا عدم تمرکز سیاسی را بپذیرند، حزب

دموکرات چه موضعی خواهد گرفت؟ آیا مانند هر نیروی دموکراتی به این رای اکثریت مردم ایران تمکین میکند، یا اینکه بر بدست آوردن حداکثر خواسته ها با میفشارد؟ در تماس های اخیر ما فهمیدیم که تفاهم بیشتری میان ما و این حزب وجود دارد و حزب دموکرات خود را جز نیروهایی میدانند که در یک حکومت ملی به خواسته های اکثریت مردم در هر حدی که باشد احترام میگذارد. فرمولبندی که در برنامه سیاسی ما آمده دقیقاً از همین فکر و اندیشه نشأت میگیرد. در بین ما عده ای هستند مثل من که به فدرالیسم معتقدند و عده ای هم هستند که به عدم تمرکز سیاسی معتقدند، ولی در بین ما این تفاهم هست که بهر صورت چنین حتی صرفاً به قوم خاصی تعلق نمیگیرد. این مسئله پیچیده ای است که باید با ریزنی و پیشنهادات گروه های مختلف سیاسی گشوده شود. یک شعار، چه خودمختاری چه خودگردانی و چه عدم تمرکز سیاسی هیچ دردی را دوا نمیکند. مادام که مسئله فدرالیسم را در ارتباط تنگاتنگ با مسئله دموکراسی به بحث درون اپوزیسیون نگذاریم و برنامه سیاسی معینی برای آن تنظیم نشود، فرمولبندی ما و چه فرمولبندی حزب دموکرات پاسخگوی نیاز جدی سیاسی مردم نیست. بعنوان مثال ما هم توقعمان از حزب دموکرات اینست که هنگام طرح شعار "دموکراسی برای ایران، خودمختاری برای کردستان" باید در جریان تلاشها و مذاکراتش با نیروهای سیاسی مختلف و از جمله با رژیم همواره بر روی امکان آزادی انتخابات، آزادی احزاب و مطبوعات پافشاری کند، درست همان اندازه که بر روی خواستهای منطقه ای پافشاری میکند. و گرنه این شعار به صورت یک شعار بی محتوا خواهد بود. بهر صورت ما معتقدیم که شعار مبهم و بسیار سوتاهم انگیز خودمختاری باید در جریان مباحث همیق و گسترده میان نیروهای اپوزیسیون به یک برنامه با مرز و چارچوب مشخصی و مورد توافق همه نیروهای دموکرات تبدیل شود.

آنچه که اکنون مسلم و روشن است آن دیدگاهی که مشروعبیت حق خودمختاری را ناشی از ستم مضاهف میدانست، زمینه فکری خود را در میان بخش همدهای از نیروهای اپوزیسیون از دست داده است. ما عدم تمرکز سیاسی را بعنوان تضمین دموکراسی و سلامت جامعه میدانیم، حال مراسمی که بر آن گذاشته شود مهم نیست. در یک حکومت دموکرات که اکثریت مردم در آن شرکت داشته باشند، برای ما علامتی از ستم مضاهف قابل لمس نیست. اگر مشکلات فرهنگی بین اقوام ایرانی وجود دارد، راه حلش بیشتر تبلیغ یک فرهنگ سالم ملی است، ولی ما توسل به زور و اسلحه برای گرفتن یک

جریان به ارتباطات و اطلاعات ارگانیک تر منوط است. بهر حال وجود مبارزه عملی نهضت آزادی و سایر نیروهای ملی در داخل ایران کمک مهمی در راه پیشرفت امر مبارزه است.

پرسش: در نشریه شما گفته میشود که دموکراسی در ایران بدون پیوند با عدالت اجتماعی نمیتواند پایدار بماند. مولفه ها و شاخصهای عدالت اجتماعی مورد نظر شما چیست؟

پاسخ: ما بجای عدالت اجتماعی، معمولاً از دولت رفاه اجتماعی اسم می بریم؛ زیرا عدالت اجتماعی برای ما یک لفظ گنگی است. عدالت اجتماعی اگر صرفاً تقسیم فقر موجود بین مردم باشد، که بهیچوجه کار هلالقانه ای نیست. وظیفه یک دولت مدرن در ایران ایجاد رفاه و تقسیم هر چه عادلانه تر این رفاه در جامعه است. مولفه های این کار اولاً صرفاً عدم تمرکز سیاسی، ثانیاً داشتن یک دولت اجتماعی، دولتی با خواسته های رفاهی و قدرت و مدیریت تولید ثروت برای اکثریت مردم است.

پرسش: با صلاح اجتماعی؟ در نشریه شما زیاد به کار رفته میشود، ولی صرف نظر از آن میتوان پرسید که منظورتان از رفاه چیست؟ مثلاً باید در ارتباط به این رفاه اشکال معقول اقتصادی، کم و کیف تامین های اجتماعی و... را توضیح داد.

پاسخ: ما به اقتصاد بازار آزاد معتقدیم و در کنار آن به بالا رفتن تولید ملی، درآمد ملی و تقسیم هر چه عادلانه تر درآمد

جریان به ارتباطات و اطلاعات ارگانیک تر منوط است. بهر حال وجود مبارزه عملی نهضت آزادی و سایر نیروهای ملی در داخل ایران کمک مهمی در راه پیشرفت امر مبارزه است.

پرسش: در نشریه شما گفته میشود که دموکراسی در ایران بدون پیوند با عدالت اجتماعی نمیتواند پایدار بماند. مولفه ها و شاخصهای عدالت اجتماعی مورد نظر شما چیست؟

پاسخ: ما بجای عدالت اجتماعی، معمولاً از دولت رفاه اجتماعی اسم می بریم؛ زیرا عدالت اجتماعی برای ما یک لفظ گنگی است. عدالت اجتماعی اگر صرفاً تقسیم فقر موجود بین مردم باشد، که بهیچوجه کار هلالقانه ای نیست. وظیفه یک دولت مدرن در ایران ایجاد رفاه و تقسیم هر چه عادلانه تر این رفاه در جامعه است. مولفه های این کار اولاً صرفاً عدم تمرکز سیاسی، ثانیاً داشتن یک دولت اجتماعی، دولتی با خواسته های رفاهی و قدرت و مدیریت تولید ثروت برای اکثریت مردم است.

پرسش: با صلاح اجتماعی؟ در نشریه شما زیاد به کار رفته میشود، ولی صرف نظر از آن میتوان پرسید که منظورتان از رفاه چیست؟ مثلاً باید در ارتباط به این رفاه اشکال معقول اقتصادی، کم و کیف تامین های اجتماعی و... را توضیح داد.

پاسخ: ما به اقتصاد بازار آزاد معتقدیم و در کنار آن به بالا رفتن تولید ملی، درآمد ملی و تقسیم هر چه عادلانه تر درآمد

سرانه در میان مردم باور داریم. برای ما یک دولت دموکرات دولتی است که برای اکثریت مردم بیمه، بیمه بهداشتی، بیمه بازنشستگی، بیمه کار، امکانات تعلیم و تربیت و امکانات رفاهی مختلف را تامین کرده و از حمایت بخش خاصی از مردم بدون دلیل بپرهیزد. تولید رفاه را با حمایت از تولید، حمایت از سرمایه دار نیست. ممکن است از ملزومات حمایت از تولید بوجود آمدن قطبهای سرمایه داری هم باشد. ولی یک دولت ملی هیچگاه هدف خود را تقویت بخش خصوصی از مردم نمیگذارد، بلکه به تقویت آن برنامه اقتصادی میپردازد که به افزایش رفاه عامه مردم کمک کند. حال اگر در چنین چارچوبی بخشی از مردم با استفاده از وسایل سالم دموکراتیک از درآمد سرانه ملی، بخش بیشتری را نصیب خودشان کنند، این از معضلات دموکراسی است که راه حلی برای آن وجود ندارد. مبارزات صنفی و سندیکایی تا حدودی این مشکل را تعدیل میکند ولی هیچ دولت دموکراتی نمیتواند ادها کند که درآمد ملی را دقیقاً بر اساس لیاقت ها و کارایی های مردم در میان آنها تقسیم کند. ولی باید تلاشش در این راستا باشد. یعنی باید تاجایی که به روند رفاه، روند تولید و اثبات سرمایه و کار لطمه جدی وارد نشود، در تعدیل فاصله طبقاتی بکوشد.

برای تعدیل فاصله طبقاتی و تامین رفاه عمومی دخالت دولت مردمی در اموری همچون تنظیم نرخ بهره، سیاست های پولی و

دستگیری گروهی از اعضای حزب دموکرات ایران

وزارت اطلاعات رژیم اعلام کرد یک گروه از اعضای حزب دموکرات ایران را در شهرستان سنندج دستگیر کرده است. ساواک رژیم ضمن اعلام این خبر اتهامات فراوانی را به دستگیر شدگان وارد کرده است.

پاسداران و مامورین امنیتی رژیم جمهوری اسلامی در تلاش دایم خود برای سرکوب مخالفین و جلوگیری از گسترش فعالیت نیروهای آزادیخواه اکثر اقدامات جنایتکارانه خود را در خفا انجام می دهند و تنها هر از گاهی گوشه هایی از موارد پیگرد و دستگیری مخالفین را آشکار می سازند. انتشار خبر دستگیری افراد حزب دموکرات کردستان ایران این نگرانی را بوجود آورده است که رژیم جمهوری اسلامی در تدارک اقدامهای جدیدی در کردستان و سایر نقاط ایران باشد.

دستگیری کردهای مبارز ایرانی در شرایطی صورت گرفته و اعلام شده است که گزارش بازرس ویژه سازمان ملل متحد در مورد نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی، در جهان بازتاب گسترده ای یافته است. اعلام خبر دستگیری اعضای حزب دموکرات در این شرایط را باید به نشانه پاسخی از سوی رژیم به این گزارش و همزمان آن در ادامه سرکوب مخالفین قلمداد کرد.

نیروهای سیاسی ایرانی مخالف جمهوری اسلامی که چندی پیش در برابر دستگیری گروهی از آزادیخواهان معترض به رژیم واکنش گسترده ای نشان دادند، نباید نسبت به سرکوبگری رژیم و دستگیری مخالفین در هیچ گوشه ایران بی توجه بمانند. کوشش عوامفریبانه رژیم برای اثبات نادرستی گزارش نقض حقوق بشر در ایران و تلاشهای آن برای ارائه چهره ای مطلوب از خود در نژدجهانیان نشانگر آن است، که افشای وسیع هر جنایت رژیم در محدود ساختن تاخت و تاز جنایتکاران حاکم بر ایران نسبت به مخالفین و احزاب سیاسی ضرر رژیم بی تاثیر نخواهد بود.

تعالی و تعادل میان درآمدها و هزینه ها باید حقوقها متناسب با نرخ تورم افزایش یابد و نه یک بخش از کارمندان دولت بلکه همه حقوق بگیران را در برگیرد.

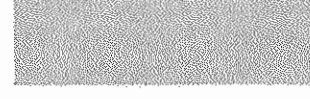
مردم می گویند افزایش ناچیز حقوق کارمندان دولت بدون شک نخواهد توانست بار کمر شکن زندگی را در جهنم جمهوری اسلامی از میان بردارد برای ایجاد

گرانی روز افزون از هم اکنون افزایش ناچیز حقوق بازاریابی

همین مقدار افزایش حقوق نیز می توانست در باز کردن دست کارکنان دولت کمک کوچکی باشد، هر گاه با گرانی سریع در جامعه همراه نمیشد. اما همزمان با احتمال افزایش حقوق های کارمندان دولت، قیمت کالاها با سرعت بیشتر از پیش سیر صعودی خود را دنبال کرد بطوریکه اکنون کارشناسان رژیم نیز از "انفجار قیمت ها" سخن می گویند. گرانی روز افزون کالاها و خدمات که پس از بخشنامه هاشمی رفسنجانی مبنی بر ممنوع ساختن افزایش نرخ خدمات و کالاها دولتی نیز ادامه یافته و با افزایش حقوق ها شتاب بیشتری گرفته است، پیشاپیش حقوق اضافه شده و هنوز دریافت نشده کارکنان دولت را می بلعد.

افزایش انجباری قیمت ها در طول ماه های اخیر

در حالیکه رفسنجانی با قاحتی کم نظیر مدعی شده نرخ رشد تورم را به ۸ درصد رسانده است ناراضیاتی گسترده ای را در مردم بوجود آورده و موجب بروز حرکات اعتراضی ویژه در میان معلمین گردیده است. هاشمی رفسنجانی با صدور بخشنامه خود کوشید موج روزه افزایش ناراضیاتی ها را مهار کند و مردم را به بهبود شرایط معیشتی خود امیدوار سازد. اما این تلاش، تلاش بی فایده ای بوده است و پس از آن قضاوت دقیق تر درباره این



قطعنامه شورای امنیت علیه عراق



بقیه از صفحه اول

سرطریق نظامی رفع تجاوز، پیروی و تلاش برای تثبیت همان منطقی است که بسیاری دولت ها و نیروهای پیشرو جهان می گویند آن را از صحنه روابط بین المللی حذف کنند و آن عامل زور است. آمریکا قادر منشی صدام حسین را بانه قرار داده است تا با قلدن منشی نظم مورد نظر خود را بر روابط بین المللی حاکم کند. در شرایطی که نظم و جهان دو قطبی سابق از میان رفته است و دیگر روابط بین المللی تحت تاثیر تقابل اردوگاه های شرق و غرب و پیمان های ناتو و ورشو رقم نمی خورد، آمریکا می کوشد در شرایط خلا نظم جانشینی، نظم دلخواه خود را بر جهان دیکته کند.

این همس، چهار تن از افراد ذخیره نیروی دریایی آمریکا را نشان می دهد که هفته گذشته در نیورک طی یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کردند از پیروی از فراخوان دولت ایالات متحده برای پیوستن به نیروهای این کشور در منطقه خلیج فارس خودداری خواهند کرد زیرا نمی خواهند در کشتن سقیم باشند. به گزارش یک سازمان صلح طلب

اما در جهان امروز، جهانی که تنها دو هفته پیش رهبران ۳۴ کشور آن منجمله اعضا پیمان های ناتو و ورشو در کنفرانسی پایان جنگ سرد را اعلام کردند، دیگر یک تازی و تمایلات قلدن منجمله رهبران آمریکا نمی تواند به راحتی قدرت ظهور داشته باشد. هم از اینروست که طی هفته های گذشته دولت آمریکا تمام مسامی خود را بکار برد تا بتواند اعضا دائمی شورای امنیت را به همراهی با منشی خود بکشد. و اقصیتی است که برای نیروهای قدرتمند و موثری در دولت آمریکا خروج ساده نیروهای آمریکایی از منطقه بدون آنکه صدام حسین را که اینگونه گستاخانه پانز گلیم خویش فراتر نهد و حق انحصاری آمریکا در تجاوز و اشغال کشورهای دیگر را مورد تعرض قرار داده است، گوشمالی داده و همچنان وی را با

متن قطعنامه شورای امنیت

کوتاه شده متنی را که دولت ایالات متحده برای تصویب به اعضای شورای امنیت سازمان ملل به عنوان یازدهمین قطعنامه این شورای امنیت عراق پس از اشغال کویت تسلیم کرد، در زیر می خوانیم. هدف از چنین قطعنامه ای، ایجاد مجوز حقوقی برای حمله نظامی به عراق در صورت عدم تسلیم این کشور به التیجاتوم پیش بینی شده در این طرح است: "شورای امنیت،

باید آوری و تاکید بر قطعنامه های خود...
ضمن خاطر نشان کردن این امر که علیرغم همه تلاش های ملل متحد، عراق از اجرای وظیفه خود در اجرای قطعنامه ۶۶۰ و قطعنامه های پیرو آن که در بالا ذکر شد، بابتی امتناعی باز به شوراسرباز می زند،
با توجه به وظایف و مسئولیت های خود طبق منشور ملل متحد برای برقراری و حفظ صلح بین المللی و امنیت،
مصمم به تضمین رعایت کامل همه مصوبات خود،
با عمل طبق فصل هفتم منشور ملل متحد،
۱- از عراق می خواهد که بطور کامل از قطعنامه ۶۶۰ (۱۹۹۰) و همه قطعنامه های پیرو آن بطور کامل پیروی کند، تصویب می کند که با حفظ همه تصمیمات خود، به عراق امکان آخری برای عمل به نشانه حسن نیت بدهد؛
۲- به کشورهای عضوی که با دولت کویت همکاری می کنند، اختیار می دهد در صورتی که عراق تا قبل از ۱۵ ژانویه ۱۹۹۱ قطعنامه های قبلی بر شمرده در بند ۱ را کاملاً اجرا نکند، همه وسایل لازم را برای رعایت و اجرای قطعنامه ۶۶۰ شورای امنیت و همه قطعنامه های پیرو آن و احیای صلح بین المللی و امنیت منطقه، بکار گیرند،
۳- از همه دولت ها تقاضای حمایت لازم از اقداماتی که جهت اجرای بند ۱ این قطعنامه صورت می گیرد، دارد؛
۴- از همه دولت های مربوطه می خواهد شورا را بطور مرتب در جریان پیشرفت اقدامات برای اجرای بندهای ۲ و ۳ این قطعنامه بگذارند."

مواضع مدانین اقدام نظامی را تقویت کرده است. هر چند این امر را نباید به معنای حتمی الوقوع بودن جنگ دانست اما خود عاملی است که می بایست حساسیت بیش از پیش نیروهای صلح طلب را برانگیزد. انتقاد از مصوبه شورای امنیت به معنای انتقاد از اعضا دائمی شورای امنیت است که از میان آنها تنها نماینده چین به قطعنامه مزبور رای مثبت نداد. رای مثبت اتحاد شوروی چه

مسالمت آمیز بحرات تاکید کرده اند. از طرف برخی از آنها، فرصت اعلام شده در قطعنامه اخیر شورای امنیت نیز، بعنوان فرصتی برای تشدید فعالیت های دیپلماتیک و نه به معنای لزوم آغاز جنگ پس از مهلت مقرر تعیین شده است.

اما بهر حال آشکار است که قطعنامه مزبور از طرف شورای امنیت امکانات برای حل مسالمت آمیز بحران را کاهش داده و

اقتصادی غیر قابل پیش بینی خواهد داشت وجود دارد. نثار خون بخاطر نفت و کشته شده بخاطر باز گرداندن حاکمیت از دست رفته شیوخ کویت مردم بی معنایی بیشتری برای یک شهروند آمریکایی می یابد و صداهای اعتراضی بلندتری را در آمریکا برمی انگیزد.

اکثر کشورهای اروپایی، اتحاد شوروی و کشورهای "جهان سوم" تاکنون بر حل

به انگیزه تلاش برای فعالیت کردن سازمان ملل در حل بحران منطقه خلیج فارس و چه به انگیزه تحت فشار قرار دادن دولت متجاوز عراق برای تن دادن به راه حل های دیپلماتیک داده شده باشد، با سیمای صلح طلبانه سیاست خارجی این کشور در چند ساله اخیر در تباین قرار دارد و نشان از تسلیم شدن مسکو به فشارهای اعمال شده از طرف دولت آمریکاست.

اما لاجرم را به عنوان دستور کار کنفرانس تعیین کرده اند.

خوب باین حساب وظیفه ما اکنون تلاش برای شناساندن چهره واقعی حکیم ابوالقاسم فردوسی و ماهیت اثر جاودانه اش به مردم ایران و بویژه نسل جوان است. این نکته بسیار مهم را هم باید افزود که تلاش فردوسی برای حفظ و احیای فرهنگ مادر دوره خویش، شباهت های ناگزیری به دوران حال دارد و لذا می توان گفت که زندگی و کار این بزرگمرد تاریخ ایران، سرمشق آموزنده ای برای روشنفکران و قلم بدستان هموطن نیز هست. در یک کلام فردوسی همه زندگی و انرژی خویش را بر سر این کار نهاد.

پتانسیل بالای نظامی در منطقه بعنوان تهدیدی برای نفت و حکومت های طرفدار آمریکا در منطقه رها کنند، غیر قابل تصور است.

اما این نیروها هم در خود آمریکا هم توسط سایر ملت ها و دولت ها محدود می شوند.

در خود آمریکا و در کنگره آن کشور نگرانی هایی جدی بر سر ایجاد یک جنگ که ابعاد خسارات انسانی و مالی و تاثیرات سیاسی و

طبقاتی در شکل "کاستی" آن به شدت رنج می برد، ۳ قرن قبل به ضرب نخستین شمشیر مسلمان جهادگر در هم پاشیده شده بود. جالب اینکه بسیاری از هموطنان مزدکی ما که در آن دوران به یمن تبعید شده بودند، از جمله پیشگامان این نهضت در نخستین مراحل ظهورش بودند و سلمان پارسی از چهره های مشهور همین هاست. اما طبقات رنج دیده ایران که گاه دروازه ها را نیز به روی سپاهیان جهادگر گشوده بودند، وقتی ظلم و ستم هرب (بویژه پس از استقرار امویان) را می بینند می فهمند که هم باید جزیه بدهند، هم تحقیر شوند و هم به دست حجاج بن یوسف کشتار شوند، شروع به مقاومت می کنند. این مقاومت که نقطه شروع آن مقارن مرگ یزدگرد سوم و مکان آن طبرستان بوده، بعدها به سراسر کشور گسترش می یابد، اما در سالها بعدتر مضمون ضدحکومت هرب انطباق با مذهب اسلام دارد. تشکیل حکومت های محلی ایرانی مثل سامانیان، صفاریان، طاهریان، آل زیار و... جلوه های استقلال طلبی و مقاومتی است که بدان اشاره کردیم. در حکومت سامانیان است که بویژه تدارک جدی احیای فرهنگ ملی آغاز می گردد و زبان فارسی در دست از همین سالها می یابد و شکوفایی شود. در یک جمع بندی نهائی، جامعه در شرایطیک مقاومت فرهنگی جدی در مقابل یورش هرب به هستی اجتماعی خویش بوده است. در چنین زمینه تاریخی، به بزرگمردی به نام حکیم ابوالقاسم فردوسی از جانب تاریخ و مردمش سفارش و اگذار می کند که همانا سرایش شاهنامه (یعنی سند مکتوب فرهنگ کهنسال این آب و خاک و مبارزه و مقاومت مردمش در برابر ظلم و اشغالگری و در نهایت سلاحی فرهنگی برای دفاع از فرور ملی یک خلق در حال مبارزه برای احیای خویش) است.

زمینه تاریخی خلق اثر

در چهار مقاله نظامی هروضی که ۱۵۰ سال پس از فردوسی اولین اشارت مکتوب به این اثر و تاریخ پیدائی آن است. تصهها و روایاتی ناصحیح در مورد شاهنامه آمده که باید با توجه به دیدگاه اجتماعی مؤلف مورد برخورد انتقادی قرار گیرد. از آن جمله داستان نگارش شاهنامه توسط فردوسی به سفارش سلطان محمود غزنوی است (و سپس دادن سکه های نقره به جای طلا و قمر شاعر و الخ...)، اسناد موجود تاریخی به دقت مدلل می سازند که نخستین دور نگارش شاهنامه که به پایان می رسد، هنوز دوران حکومت سبکتکین پدر محمود است و لذا سلطان محمود به هیچ روی نمی توانسته سفارش دهنده اثر باشد.

صحیح آن است که بگوئیم شاهنامه به سفارش تاریخ و به سفارش مردم ایران نگاشته شده و لایه ای اگر ابوالقاسم فردوسی به دنبال صله و مال و مثال بود، از شیوهای آسان تری (نظیر آنچه که فرخی و منوچهری و عنصری و دیگر شاعران درباری کردند) استفاده می کرد و به پول می رسید. از یاد نبریم که فردوسی نه از این جهامت کم استعدادتر بود و نه هقل و شعور کمتری داشت. ولی شاعر مردم را دلمشغولی دیگر بود اگر چه در دوره هائی از هرب بویژه در پایان، دچار فقر و تنگدستی شدیدی هم شده بود.

به تاریخ آن روزگار میهن مان که نگاه می کنیم یک دوران پر تلاطم گذار از مرحله ای به مرحله دیگر است. امپراطوری ساسانیان (که از تضادهای خشن

فردوسی با منشی خود بکشد. و اقصیتی است که برای نیروهای قدرتمند و موثری در دولت آمریکا خروج ساده نیروهای آمریکایی از منطقه بدون آنکه صدام حسین را که اینگونه گستاخانه پانز گلیم خویش فراتر نهد و حق انحصاری آمریکا در تجاوز و اشغال کشورهای دیگر را مورد تعرض قرار داده است، گوشمالی داده و همچنان وی را با

مهمانگونه که اشاره کردیم، از آنجائی که تمامیت یک خلق در تدارک این اثر سعیم بوده (و بعدها نیز در حفظ جراثست آن سینه به سینه کوشیده)، لذا نگارش شاهنامه با ابوالقاسم فردوسی شروع نشده است. سابقه امر با شاهنامه ابومنصوری (والی دانشور بقیه در صفحه ۷

اگرچه در آن دوران نیز به همین دلیل که شاهنامه به سفارش تاریخ و به سفارش مردم ایران نگاشته شده و لایه ای اگر ابوالقاسم فردوسی به دنبال صله و مال و مثال بود، از شیوهای آسان تری (نظیر آنچه که فرخی و منوچهری و عنصری و دیگر شاعران درباری کردند) استفاده می کرد و به پول می رسید. از یاد نبریم که فردوسی نه از این جهامت کم استعدادتر بود و نه هقل و شعور کمتری داشت. ولی شاعر مردم را دلمشغولی دیگر بود اگر چه در دوره هائی از هرب بویژه در پایان، دچار فقر و تنگدستی شدیدی هم شده بود.

به تاریخ آن روزگار میهن مان که نگاه می کنیم یک دوران پر تلاطم گذار از مرحله ای به مرحله دیگر است. امپراطوری ساسانیان (که از تضادهای خشن

فردوسی با منشی خود بکشد. و اقصیتی است که برای نیروهای قدرتمند و موثری در دولت آمریکا خروج ساده نیروهای آمریکایی از منطقه بدون آنکه صدام حسین را که اینگونه گستاخانه پانز گلیم خویش فراتر نهد و حق انحصاری آمریکا در تجاوز و اشغال کشورهای دیگر را مورد تعرض قرار داده است، گوشمالی داده و همچنان وی را با

فردوسی کیست؟ شاهنامه چیست؟

سلسله سخنرانی های نعمت میرزازاده (م. آ. زرم) در شعرهای مختلف سوئد در نیمه دوم نوامبر امسال با همین عنوان و به مناسبت هزاره فردوسی برگزار شد.

میرزازاده که چندین سال تحت نظارت استاد مجتبی مینوی به تحقیق پیرامون شاهنامه فردوسی پرداخته و در دوران استادی اش در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در همین زمینه تدریس کرده، با مجارت و همه جانبگی به بحث در این مورد پرداخت. سخنران با توجه به آنکه جمع های شنونده اش (یعنی ایرانیان مهاجر و هلاتمدن) جمعی آکادمیک و تحقیقاتی نیست، تلاش داشت تا مضامین مورد نظرش را در قالبی ساده تر و غیر تخصصی ارائه دهد و به واقع که در این کار توفیق داشت.

کار میرزازاده در شناساندن بخشی از فرهنگ غنی و کهنسال فارسی بسیار ارزشمند بود، بویژه در این دوران ایفای ضد فرهنگی آخوندهای حاکم و نیز در وانفاسی فشارهای لاجرم قربت برای "از خود بیگانه شدن" مهاجرین.

آنچه در زیر می خوانید چکیده استنباطهای گزارشگر از سخنرانی های م. آ. زرم پیرامون شاهنامه فردوسی است.

مشهورترین اثر ناشناخته ادب فارسی

سخنران، شاهنامه را با صفت بالا توصیف نمود و معتقد بود که: بسیاری از هم میهنان ما این جا و آنجا نکاتی پیرامون شاهنامه شنیده اند. اما با دریغ فراوان این تکه پاره ها نیز اکثراً تحریف شده و نامربوط به فردوسی بوده است. در دوران پهلوی اول و پهلوی آخر رسماً دروغ می گفتند تا از این گنجینه ارزشمند مردم ایران برای توجیه حکومت ظلم سواستفاده کنند که مشهورترین این دروغ ها، همانا مصرع معروف "چو فرمان یزدان چو فرمان شاه" است که به دقت علمی می توان ثابت کرد که با هزارتن سریش هم به شاهنامه و فردوسی نمی چسبد. و یا اینکه می گفتند و تبلیغ می کردند که نوشته حکیم، مدح شاهان ایرانی بوده است و باید در همین جا تصریح کرد که شاهنامه را، مدح و توجیه شاهان خواندن یک تقلب کودکانه است. صفت "شاه" (که در مقام اسم نیز به کار می رود)، در زبان فارسی با ترکیبات دیگری مثل شاهراه، شاه بیت، شاهکار، شاه لوله و... نیز به کار رفته است. و فرض و معنا از این کلمه در ترکیب شاهنامه همانا موقعیت آن بمثابه صفت (ونه اسم) یعنی نامه بزرگ (و نامه نیز به معنای پهلوی آن که در اصل نامک باشد)، به کار رفته است و لایق به علاوه

تهیه کننده: اعظم میرشکاری

زننه

شماره ۱۲۸۸

دستهای کوچک و خسته کارخانه نساجی اعتمادیه

دستهای چپ شده؟

* تاجالا دوبار توی دستگاه رفته. وقتی نخ پشت سر هم پاره می شود، باید گره بزنی آنوقت نخ دور دستها جمع می شود و یکهو دست را می کشد داخل خودش.

نرگس می گوید:

* در اینجا به غیر از خودم و پدرم، دوخواهر کوچکتر که ۱۳ ساله و ۸ساله هستند، کار می کنند.

تا به حال دختران هشت ساله را به غیر از پشت میز درس، در کارخانه دیده‌اید؟... ما دیده‌ایم. در این کارخانه دستهای کوچک و ظریفی مشغول گره زدن نخهای پاره هستند و اگر یک لحظه غفلت کنند، نخ دور دستها جمع می شود و بعد دستگاه دستشان را می خورد...



گرد و خاک پنبه است. راهنما به سرانجام می آید. او که ماسکی بر صورتش کشیده با صدایی ناخوش می گوید: «فرمائید از این طرف.» کارگران، همه بدون استثناء، ماسکهایشان را زیر چانه انداخته‌اند. در این حالت، ماسکها بیشتر دکور هستند تا حفاظ.

به محل کار دختران می‌رسیم. ظاهراً چنین به نظر می‌آید که اکثریت نیروی کار اینجا را دختران و زنان تشکیل می‌دهند. دوستی که همراه من است، می‌خواهد فیلمنامه‌ای درباره کار دختران تهیه کند. او سخت مشغول کار است و مدام از نماهایی که برایش کارسازند، یادداشت برمی‌دارد. جلوتر می‌روم.

دستگاهی، پنبه را فیله می‌کند و بعد ریسمانها بدور فرقرها پیچیده می‌شوند. از هر دستگاهی که می‌گذریم، نخها تابیده شده، نازکتر می‌شوند تا آنکه تاروپود، جداگانه ریسیده می‌شوند. سپس فرقرهای بزرگ حاوی تاروپود را نزد دستگاه بافنده می‌برند و بعد کارگران در کنار دستگاهی می‌ایستند تا هرگاه نخ پاره شد آن را مجدداً گره بزنند.

سروصدا زیاد است و امان حرف زدن به ما نمی‌دهد. برای حرف زدن باید فریاد کشید و حتی بعضی مواقع فریاد هم کارساز نیست!

با آنها حرف می‌زنیم، یعنی فریاد می‌زنیم، فریادی که در تداوم صدای دستگاه گم می‌شود.

ارزش ناشی از دستگاههای عظیم به زمین منتقل می‌شود و از زمین به پای ما. در این جا، هشت ساعت کار برای این دختران و زنان که در میان آنها پیر و باردار هم پیدا می‌شود، عادی است. آنها حتی برای اینکه از شر سروصدا راحت باشند، از گوشه‌هایشان استفاده نمی‌کنند. گوشه‌های روی شانه‌های کارگران تاب می‌خورند و یا به دستگاه تکیه داده‌اند. ما کاری را ندیدیم که از گوشه استفاده کنند.

هیچی پول پس‌انداز نکردم بر سروردی نوشتند: «اتفاق بهداشت» وارد می‌شویم.

از پشت پاراوان دو جفت چشم سیاه و نگران از ما استقبال می‌کنند. راهنما می‌گوید: «اینجا پناهگاه کارگران زخمی و بیمار است. به سوی آن چشمها می‌روم. پشت پاراوان، روی تخت دختر کی زخمی به طور نیمه‌خیز نشسته است. لبخندش بی‌رنگ و چهره‌اش سوخته، سوخته است. ماتو و شلوار طوسی برتن دارد. نگاه ما از صورت به پاهایش کشیده می‌شود. پای چپش را با پاندا پیچانده‌اند. هنوز چشمانش آرامش نیافته‌اند و با اندوه ما را نگاه می‌کند:

- چی شده؟ چرا پایت را بستهای؟ سرش خنم می‌شود. لبش را به دندان می‌گیرد و آهسته زمزمه می‌کند: «خانم، گاری «بیبین» (۱) افتاده روی پام.

- یکی از آن قرقرها یا همماش؟ - نه خانم، همماش. - مگر گاری را به تنهایی حمل می‌کردی؟

- بله، خوب برای عوض کردن بوبینها، خودمان باید گاری را بیاوریم. بعد هم باید خالیها را برداریم و بوبینهای پر توی گاری را روی دستگاه بگذاریم. - خیلی درد کشیدی؟

- خوب آره... نه، نه زیاد! - تاکی باید اینجا بمانی؟ - خانم بهداشت گفته تا ظهر. بعد هم بروم خانه واستراحت کنم. مسئول بهداشت می‌گوید: «چیزی نیست، فردا که بیاید، قیراق است. مگر چه شده؟»

به پای دخترک نگاه می‌کنم که کیود شده و به فکر اینکه باید حتماً به رادیو لوزی فرستاده شود. چشمهای دخترک دیگر با ما نیست. او به دمپایی رنگ و رو رفتاش نگاه می‌کند و شاید در این اندیشه که چطور پای باندپیچی شده‌اش را داخل آن فرو کند. وقتی اسمش را می‌پرسم، به خود می‌آید و می‌گوید:

- معصومه جان، در اینجا از اعضای خانواده‌ها کسی هم هست که کار کند؟ - بله، خواهرم او از من کوچکتر است و یازده سال دارد. - از تو بزرگتر هم در خانه‌تان هست؟

- نه، من فرزند بزرگ خانوادام. - چند وقت است که کار می‌کنی؟ - یکسال و پنج ماه. - چقدر حقوق می‌گیری؟ - ...؟! - حقوقت را چه کار می‌کنی؟ - خرج خودم و خانواده.

و بعد از مکث کوتاهی می‌گوید: «تاجالا

هیچی پول پس‌انداز نکردم. دوباره از او می‌پرسم: «معصومه، پایت دیگر درد نمی‌کند؟»

باخته می‌گوید: «نه، چیزی نیست. دردش ساکت می‌شود.» سه تا از همکاران معصومه به دیدنش آمده‌اند. آنها هم تقریباً نشان کم است. بازبان محلی و شیرینشان می‌گویند که آمده‌اند حال و احوال از معصومه بگیرند. آنها بعد از حال و احوالرسی، دستی برسرس معصومه می‌کشند و او را می‌بوسند. اگر امانشان بدهی صدای خنده‌شان فضای اتاق را پر خواهد کرد. باخواهش من، به کناری می‌آیند و باهم صحبت می‌کنیم. گلنار که ۱۲ سال دارد، روبرویم قرار می‌گیرد. به او «استاد» می‌گویند، چون مسئولیت دستگاه باوست.

- استاد، چرا دستگاه را رها کردی و آمدی اینجا؟ - دستگاهمان خراب شده و به ما استراحت دادند.

نرگس به ما نزدیک می‌شود. احساس می‌کنم چون وقت کم دارند، می‌خواهند زودتر حرف بزنند. نرگس می‌گوید که تا کلاس پنجم ابتدایی درس خوانده است و حالا هم با گلنار روی یک دستگاه کمک می‌کند.

- کی تو را به اینجا آورده است؟ - پدرم. - او هم در همین جا کار می‌کند؟ - بله در قسمت متر از کار می‌کند. - چندتا خواهر و برادری؟ - پنج‌تا خواهر و برادریم. - در اینجا به غیر از تو و پدرت کسی دیگر از خانواده‌ها هم کار می‌کند؟

- بله، دو خواهر کوچکتر از خودم که یکی ۱۳ساله و دیگری ۸ساله است. با تردید می‌پرسم: خواهر ۸ساله تو هم اینجا کار می‌کند!

و نرگس متعجب از تعجب من، برروبر نگاه می‌کند. در این لحظه مسئول بهداشت می‌گوید: «خواهر نرگس در موقع ورود به کارخانه سل داشته است.»

و من در ذهنم دخترک هشتساله را می‌بینم که پشت دستگاه عظیم و خشن کار می‌کند. ماسک زیرچانه‌اش است گوشی روی شانه ضعیفش تاب می‌خورد. قلبم می‌جاله می‌شود و درد تا استخوانم مغمز کشیده می‌شود.

- خواهر دیگری کجاست؟ - پشت ماشین است و دارد کار می‌کند. - خانه‌تان کجاست؟ - پشت کارخانه. جای قدیمی کارخانه یک اتاق داریم. به یادم می‌آید که خانه‌های پشت کارخانه، وضع اسفباری دارند و به ما اجازه ندادند از آنها دیدن کنیم. - نرگس جان با پولهایی که از کارخانه می‌گیری، چه می‌کنی؟

درس خوانده‌ام. - چرا دیگر به مدرسه نمی‌روی؟ - می‌خواهم کار کنم. - چرا؟ - ...؟! - دوباره می‌پرسم: «چرا به مدرسه نمی‌روی؟»

- کسی را نداریم که کمکمان کند. - کی به تو گفت که به این کارخانه بیایی؟ - خالمام. - او هم اینجا کار می‌کند؟ - بله. در قسمت بافنده کار می‌کند. - در خانواده‌ها بزرگتر از تو نیست که کار کند و کمکتان باشد؟

- من دختر بزرگ خانواده هستم اما یک برادر بزرگتر دارم که در کلاس نهم درس می‌خواند. نرگس به ما نزدیک می‌شود. احساس می‌کنم چون وقت کم دارند، می‌خواهند زودتر حرف بزنند. نرگس می‌گوید که تا کلاس پنجم ابتدایی درس خوانده است و حالا هم با گلنار روی یک دستگاه کمک می‌کند.

- کی تو را به اینجا آورده است؟ - پدرم. - او هم در همین جا کار می‌کند؟ - بله در قسمت متر از کار می‌کند. - چندتا خواهر و برادری؟ - پنج‌تا خواهر و برادریم. - در اینجا به غیر از تو و پدرت کسی دیگر از خانواده‌ها هم کار می‌کند؟

- بله، دو خواهر کوچکتر از خودم که یکی ۱۳ساله و دیگری ۸ساله است. با تردید می‌پرسم: خواهر ۸ساله تو هم اینجا کار می‌کند!

و نرگس متعجب از تعجب من، برروبر نگاه می‌کند. در این لحظه مسئول بهداشت می‌گوید: «خواهر نرگس در موقع ورود به کارخانه سل داشته است.»

و من در ذهنم دخترک هشتساله را می‌بینم که پشت دستگاه عظیم و خشن کار می‌کند. ماسک زیرچانه‌اش است گوشی روی شانه ضعیفش تاب می‌خورد. قلبم می‌جاله می‌شود و درد تا استخوانم مغمز کشیده می‌شود.

- خواهر دیگری کجاست؟ - پشت ماشین است و دارد کار می‌کند. - خانه‌تان کجاست؟ - پشت کارخانه. جای قدیمی کارخانه یک اتاق داریم. به یادم می‌آید که خانه‌های پشت کارخانه، وضع اسفباری دارند و به ما اجازه ندادند از آنها دیدن کنیم. - نرگس جان با پولهایی که از کارخانه می‌گیری، چه می‌کنی؟

کار کنی؟

- نه... و بعد سکوت می‌کند. نگاهم، دوباره به پاراوان می‌رود. چشمهای معصوم معصومه مرا می‌بایند. مسئول بهداشت به معصومه می‌گوید: «اگر درد پایت آرام گرفته، می‌توانی با بچه‌ها به محل کارت بروی!» معصومه با سختی بلند می‌شود و لنگان لنگان بطرف دوستانش می‌رود. همگی می‌خندند. راستی به چه می‌خندند؟

باز در ذهنم معصومه را می‌بینم که پشت دستگاه است و از درد پا گریه می‌کند. نخ پاره می‌شود. معصومه بر روی دستگاه خم می‌شود و آن را گره می‌زند. یک قطره اشک روی گره می‌نشیند و او گره را رها می‌کند...

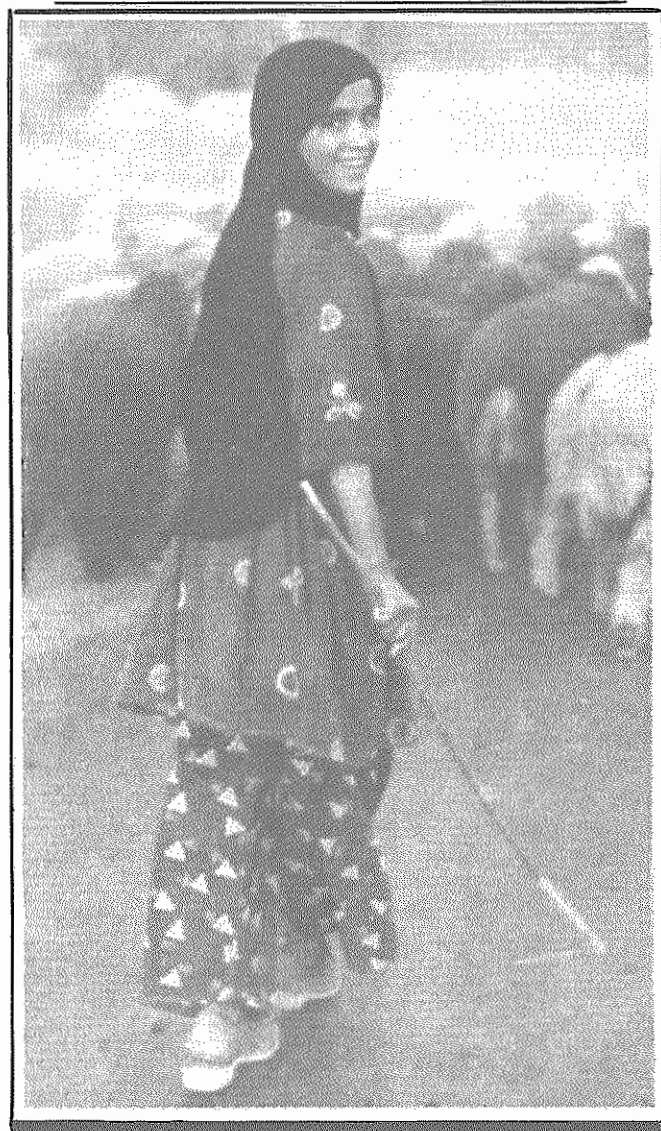
- سرم درد می‌کند! صدای دختری جوان که به نظر ۲۰ ساله می‌رسد، مرا بخود می‌آورد. مسئول بهداشت به او قرص مسکن می‌دهد. او قرص را می‌گیرد و با کمی آب می‌خورد. بسرایی رفتن، عجله دارد ولی با شکیالی که من می‌کنم، می‌ایستد و جوابم را می‌دهد:

- چند سال است که در اینجا کار می‌کنی؟ - ۱۳ سال. - بعد بدون اینکه منتظر سؤال دیگر باشد، می‌گوید: تمام اعضای خانواده‌ام در اینجا کار می‌کنند. حالا همه رفتند سرخانه زندگی‌شان و با کار دیگری پیدا کردند. فقط من مانده‌ام. خرج مادرم را خودم می‌دهم.

به دستهای نگاه می‌کنم. جای چندین بخیه برانگشتانش نشسته است. - دستهای چپ شده؟ - تا حالا دوبار توی دستگاه رفته. - مگر موقع کار بی‌احتیاطی می‌کنی؟

- نه، مراقب هستم ولی وقتی پشت سرهم نخ پاره می‌شود، باید گره بزنی. آن وقت نخها دور دستها جمع می‌شود بعد دستگاه یکهو دست را می‌کشد داخل خودش. هنوز برای رفتن عجله دارد و به مسئول بهداشت نگاه می‌کند. عذرخواهی می‌کند و می‌گوید:

خیلی دیر شده باید سردستگاه بروم □ بوبین: فرقر، ماسوره، وسیله‌ای است در بعضی دستگاههای برقی شبه فرقر که روی آن سیم پیچی شده و فشار جریان برق را بالا می‌برد.



- هرچه بوده، خرج خانه کردیم. وسیله خانه خریدیم. آبگرمکن را با پولهای من خریداند.

- دلت می‌خواست یک کارخانه داشته باشی و دخترها می‌آمدند و کار می‌کردند؟

محکم و جدی می‌گوید: «نه.» - چرا؟ - دخترها باید درس بخوانند. با یکی دیگر از عیادت کننده معصومه حرف می‌زنم:

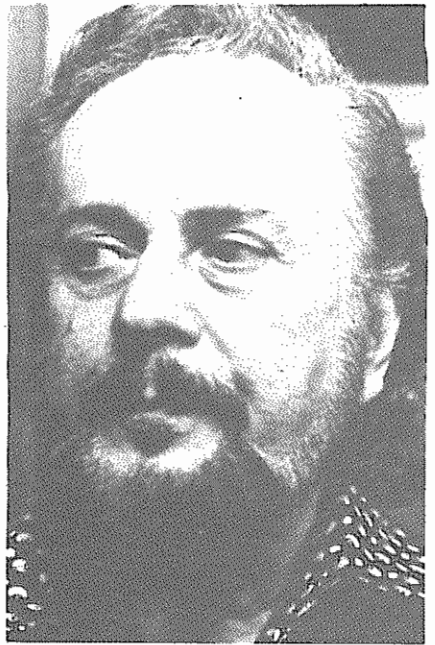
- اسمت چیست؟ - فاطمه. - چند سال داری؟ - ۱۳ سال.

- مدرسه هم می‌روی؟ - بله، تا کلاس پنجم درس خوانده‌ام. - چند وقت است که در این کارخانه کار می‌کنی؟

- ۹ ماه. - کی به تو گفته که در اینجا کار کنی؟

- دختر همسایه‌مان - او هم اینجا است.

- چند تا خواهر و برادر داری؟ - هشت تا. - دلت می‌خواهد که همیشه اینجا



ریتسوس شاعر عرصه‌های ممنوعه

ترجمه - ح. بهداد

باری، اینک در خانه ریتسوس نشستیم و او سخن گفتن آغاز میکند: "زبان را من نه در مدرسه و نه در کتاب‌ها، بلکه از رهگذر تماس و رابطه با مردم آموختم، از این رو بسیاری از آثارم زبان کس و نسبتاً تند و تیز دارند، که در واقع همان زبان کشاورزان، کارگران، مغازه‌داران و ماهیگیران است. در رابطه با همین انسان‌ها بود که من برای اولین بار ترانه‌های اصیل بومی را شنیدم. همان جا بود که من با نظام ۱۵ هجایی اشعار کوچک و بازار آشنا شده و این گونه شعرها سرودم. در واقع با همین نظام ۱۵ هجایی بود که من توانستم بنویسم و سخن بگویم، گویی که ریتم و ضرابنگ این گونه شعر از همان آغاز در خون و نفس‌های من جاری بوده‌اند.

مردم یونان با رویکرد به تاریخ و سنن خویش توانستند ۴۰۰ سال آزار در زیر یوغ و سرکوب دوام آورده و اصالت خویش را پاس بدارند. آنها ترانه‌ها، رقص‌ها، صنایع دستی و معماری یونان را دست‌نخورده پاسداری از هویت ملی خویش ساختند. تصورش را بکنید ۴۰۰ سال، گرچه به زبان راحت می‌آید، اما زمان کمی نیست. آنچه که مرا به هلنیسم شیفته می‌سازد، همان مولفه‌های هموم بشری آن است، نه، این شیفتگی ربطی به عظمت طلبی و ملی‌گرایی افراطی ندارد، بلکه از گرایش به ارزش‌های ملی، مردمی و در همین حال جهانشمول سرچشمه می‌گیرد.

از طبقه چهارم میتوان به درون خانه‌های مجاور نظر انداخت و یا به تماشای حیاط مدرسه‌ای در آن نزدیکی ایستاد. ریتسوس میگوید که روزها صدای جوش و خروش دانش‌آموزان همه جا را فرا میگردد، درون خانه ریتسوس بلافاصله نظر انسان را بخود جلب میکند، روی زمین، در قفسه‌ها و روی میزها سنگ‌ها و ریشه‌هایی نهاده شده‌اند که ریتسوس در بدترین لحظات حیات خویش، در جزایر متروک و دورافتاده بر آنها نقش‌هایی از زندگی حک کرده‌است.

یک ساعتی از گفتگو میگذرد و روز اینک از نیمه گذشته است. ریتسوس سرانجام خواهش ما را میپذیرد و اجازه میدهد که از گفتگوی با او فیلمبرداری کنیم و سخن وی اینگونه ادامه یابد: "بزرگترین پیروزی دشمنان هنگامی است که تو را با زندگی بیگانه کرده و به پرتگاه یاس و نومیدی فرو اندازند، به گونه‌ای که تو همه چیز را بی ارزش و بجزایر و آسیایش خاطر را دست‌نایافتنی بپنداری. در آویختن با نومیدی و یاس و در آمیختن با عشق و زندگی رزمی‌گرا نجایه و لذت بخش است... از روند نثرگونه زندگی روزمره گرفته تا فرازهای برجسته زندگی همه برای من شعرگونه‌اند. شعر گفتن برای من نه جولان دادن احساس و اندیشه در منطقی‌های محصور با سیم‌های خاردار، بلکه در نور دیدن مرزهای مجاز و ورود به عرصه‌های ممنوعه است."

یکسال و اندی پس از این دیدار، در سپتامبر ۱۹۸۳ ریتسوس رادر میدان بزرگی در آتن بر سکوی خطابه دیدم. وی پس از قرار گرفتن در پشت میکروفون لحظه‌ای وادرنگید و سپس اینگونه آغاز کرد: "تطعمه‌ای در ستایش بچه‌های دانشگاه پلی‌تکنیک" دانشجویان این دانشگاه سال ۱۹۷۳ با قربانیان بسیار قیامی گسترده را دامن زدند که سرانجام به سقوط حکومت خودکامه سرنگان انجامید. و اینک ریتسوس با شعر خویش به این دانشجویان ادای احترام می‌کند. سکوت همه جا را فرا گرفته بود، تعاصدای ریتسوس بود که در میدان طنین انداز میشد. دهها هزار نفر با فرو بسته بودند تا شعر وی را بهتر بشنوند. چنین صحنه شورانگیزی را من تنها چند سال بعد در برلین تجربه کردم، این بار نیز ریتسوس بود که برای مردم سخن میگفت: "هنگامی که به کتابهایم نگاه میکنم و وقت و نیرویی را که صرف آنها شده، در نظر می‌آورم، از خود میپرسم: "ریتسوس! تو واقعا از زندگی چه چیزی فهمیده‌ای؟ با این همه کار که کی فرصت داشته‌ای که عاشق بشوی و یا حتی به استخر بروی؟ راست این است که من نه تنها مجال عاشقی شدن داشته‌ام، بلکه فرصت آن را هم داشته‌ام که خاطر خواهام شوند. در واقع من همانگونه زندگی کرده‌ام که بسیاری دیگر، هم با مردم در آمیخته‌ام، هم به تبعید فرستاده شده‌ام و هم به زندان افتاده‌ام. اما برآستی اینها که اتفاق افتاده‌اند؟ من دریافت‌ام که هر لحظه زندگی انسان بیکران و لایتناهی است، آنکه خلقت و سازنده

یونان روز ۱۲ نوامبر در آتن چشم از جهان فرو بست. وی سال ۱۹۱۱ زاده شد و از دهه ۳۰ به نماد مقاومت و پایداری بدون تکر در یونان بدل گشت. سال ۱۹۳۶ با انتشار دفتر شعری به نام "کتیبه سنگ قبر" ریتسوس آوازه‌ای بلند یافت و شعرش زبانزد اهالی یونان شد. ماکتاس دیکتاتور از این امر به هراس افتاد و دستور داد که همه نسخه‌های کتاب را جمع کرده و در معبد زئوس به دست آتش بسپارند.

در جریان جنگ جهانی دوم ریتسوس به صفوف پارتیزان‌های کمونیست پیوست و با اشغالگران نازی به نبرد برخاست. سال ۱۹۴۸ به دنبال جنگ داخلی وی به عنوان "یاسی کمونیست" دستگیر و پس از شکنجه و آزار به جزایر حرمان زده دریای اژه تبعید گشت. چهار سال بعد ریتسوس از رنج تبعید وارمید و در سال ۱۹۵۷ به خاطر اشعار فتیله‌اش به دریافت "جایزه بزرگ ملی یونان" نائل آمد. با کودتای نظامی سرنگان در سال ۱۹۶۷ ریتسوس یکبار دیگر دستگیر و روانه تبعیدگاه گشت. وی پس از ۷ سال تبعید سرانجام در سال ۱۹۷۴ با سقوط حکومت سرنگان توانست به آتن بازگردد.

شعر ریتسوس این ویژگی را داراست که از یافته‌ها و دلگوشیه‌های انسان یونانی فراتر رفته و به زیست‌نامه همه انسانها بدل می‌شود. در واقع آثار ریتسوس آینه‌ای است که سیمای انسان معاصر با همه بیم و امیدهایش در آن بازتاب یافته‌است.

نام ریتسوس در ایران نیز با همت و پایمردی کسانی همچون فریدون فریاد، احمد شاملو و... نامی آشنا و جا افتاده است. ترجمه‌هایی که فریدون فریاد از شعرهای ریتسوس به دست داده روان و غیر پیچیده‌اند به گونه‌ای که خواننده ایرانی سریعا به آنها علاقه‌مند و مانوس می‌شود. نوار "ترانه‌های میهن تلخ" که در آن شعرهای ریتسوس با صدای احمد شاملو خوانده می‌شود، نیز اثری برجسته و ماندنی است.

آنچه که در پی می‌آید، برگردان خاطره‌های یواخیم چیرمر در باره ریتسوس می‌باشد. وی به عنوان خبرنگار تلویزیون آلمان از دور و نزدیک با ریتسوس آشنا بوده‌است.

مرد جوانی از مغازه‌های بیرون می‌آید، بادوربین به سرافش رفته و از او درباره ریتسوس می‌پرسد. جوان در پاسخ شعری از او می‌خواند:

آموختیم که بایکدیگر سخن برانیم
دوستانه و آرام

از اینرو درک میکنیم اینک همدیگر را بیش از پیش
و ما را همین بس.

در یک مغازه مکانیکی در نزدیک آتن نظر یک مکانیک را در باره ریتسوس جویا می‌شویم، پاسخش اینگونه است: "برای من ریتسوس ندای آزادی است، او پیوسته برای آزادی عقیده و بیان رزمیده، چیزی که یونان از نبودش دیر زمانی در رنج بوده‌است. ریتسوس بخاطر همین مبارزه‌اش سالها تحت تعقیب بوده و بارها به جزایر دور افتاده تبعید شده‌است." یک ساعت پیش از دیدار با ریتسوس در خیابان کوراکا به فیلمبرداری میپردازیم. بچه‌ها با کنجکاوئی رد ما را دنبال میکنند و نمی‌دانند که چرا ما روانه خانه شماره ۳۹ هستیم. در چهارمین طبقه این خانه از چهل سال پیش یکی از برجسته‌ترین شاعران یونان زندگی می‌کند. ریتسوس برای انجام دیدار به ما نیم ساعت وقت داده‌است. به انجام یک مصاحبه تلویزیونی با او چندان امیدی نداریم زیرا وی پیوسته از سخن گفتن در باره خود در برابر دوربین گریزان بوده، حتی هیچگاه زیست‌نامه کوتاهی هم درباره خود ننوشته‌است. او میگوید: "زندگی من در آثارم بازتاب یافته‌است و نیازی به بازگویی دوباره ندارد."

هر باهداد
آنگاه که از پنجره گشوده
به آسمان مینگریم
به اندازه یک بینهایت
از دیروز جو انتر میشوم
نه، این نه احساس است
و نه توهم و پندار
واقعا یک بینهایت جو انتر میشوم
باورم کنید، با اطمینان میگویم.

می‌زیید، یاریگر رزم مردم در راه دستیابی به
جهانی عادلانه و صلح‌آمیزتر است. حال اگر این کار،
یعنی خلقت و سازندگی نیرو و انرژی طلب کند چه
باک، زیرا انسان از پس هر آفرینش و کار خلاقانه‌ای
نیرویی نوین می‌یابد. زمانی هم که صرف آفرینندگی
میشود، در قالب احساسات، تجارب و اندیشه‌های نو
دوباره به ما باز میگردد. از اینرو معتقدم که مرگ
چیزی را از من نخواهد گرفت، زیرا که زندگی من در
آثارم ادامه خواهد یافت. بیست و سه، چهار ساله که
بودم شعری سرودم که خواندنش در اینجا پر بیجا
نیست:

برگزیده شعر امروز ایران

نیما یوشیج (۱۳۳۸-۱۲۷۶)

لژاک آرای تن ساق گلی
که به جانس کشتم
و به جان دادمش آب
ای دروغا به بزم من شکند

شعری قافیه آمیخته استخوان است. قافیه این است که من به شعر می‌دهم و بنظر می‌آید که قافیه ندارد، نه اینکه قفا در آورده‌اند. کار قفا کار نیست بچگانه، بسیار آسانست. عزیز من، قافیه بندی آنطور که من می‌دانم، وزن و رنگ مطلب آنرا اسم می‌گذارم، بنیاب بسیار مشکل است و بسیار بسیار لطیف و ذوق می‌خواهد.

در اشعار آزاد من، وزن و قافیه به حساب دیگر گرفته می‌شوند. کوتاه و بلند شدن مصرع‌ها در آنها بنابر هوس و فانتزی نیست. من برای بی نظمی هم به نظمی اعتقاد دارم. هر کلمه‌ی من از روی قاعده‌ی دقیق به کلمه دیگر می‌چسبد. شعر آزاد سرودن برای من دشوارتر از غیر آن است.

ماه‌ی اصلی اشعار من رنج من است. عقیده من گوینده‌ی واقعی باید آن ماه را داشته باشد. من برای رنج خود شعر می‌گویم. فورم و کلمات و وزن و قافیه، در همه وقت، برای من ابزارهایی بوده‌اند که مجبور به عوض کردن آنها بوده‌ام تا با رنج من و دیگران بهتر سازگار باشد.

در دوره‌ی زندگی خود من هم از جنس رنجهای دیگران سهم هائی هست، بطوریکه من بانوی خانه و بچه دار و ایلخی بان و چوپان ناقابلی نیستم؛ به این جهت وقت پاکتویس برای من کم است.

نیما یوشیج

هست شب

هست شب، یک شب دم کرده و خاک
رنگ رخ باخته است.
باد، نوباوه‌ی ابر، از بر کوه
سوی من تاخته است.

هست شب. همچوورم کرده تنی گرم دراستاده هوا:
هم ازین روست نمی‌بیند اگر گمشده‌ای راهش را.

با تنش گرم، بیابان دراز
— مرده را مانند در گورش تنگ —
به دل سوخته‌ی من مانند
به تنم خسته، که می‌سوزد از هیبت تب.
هست شب. آری شب.

داروگ

خشک آمد کشتگاه من
در جوار کشت همسایه
گرچه می‌گویند: «می‌گریند روی ساحل نزدیک
سوگواران در میان سوگواران.»
قاصد روزان ابری، داروگ! کی می‌رسد باران؟

بر بساطی که بساطی نیست،
در درون کومه‌ی تاریک من که ذره‌ای با آن نشاطی نیست
و جدار دنده‌های نی به دیوار اتاقم دارد از خشکیش می‌ترکد
— چون دل یاران که در هجران یاران —
قاصد روزان ابری، داروگ! کی می‌رسد باران؟



از رویدادهای ایران

۱۵۰ اعدام در یک ماه

کاروان‌های قاچاق، اعدام‌های گسترده قاچاقچیان و بسیاری از کسانی که دستشان به کار قاچاق و استفاده از مواد مخدر آلوده شده است ادامه دارد. در آخرین روزهای ماه گذشته گروه دیگری از این افراد در شهرهای مختلف کشور قربانی خشونت و خوی جنایتکارانه رژیم شده‌اند. تعداد این اعدام‌ها در ماه گذشته به بیش از ۱۵۰ مورد بالغ شده است. مقامات رژیم از فاش ساختن تعداد اعدام‌های صورت گرفته خودداری می‌کنند، اما فرمانده کل کمیته اعلام کرده که طی دو سال ۵۳۰ شبکه قاچاق متلاشی شده است و گفته‌است در ایران یک میلیون معتاد وجود دارد که ۴۰۰ تا ۴۰۰ هزار نفر آنها در دو سال اخیر اعتیاد خود را ترک کرده‌اند.

فرمانده یکی از قرارگاه‌های مرکزی کمیته انقلاب اسلامی اعلام کرد که یک کاروان بزرگ قاچاق مواد مخدر در مناطق کویری در یک عملیات مشترک توسط نیروهای سپاه، ژاندارمری، وزارت اطلاعات و هوایروز منهدم شده است. در این عملیات برای سرکوبی قاچاقچیان از انواع سلاح‌های زمینی و هوایی استفاده شده است و در جریان آن ۸ نفر از قاچاقچیان به قتل رسیده‌اند. فرمانده کمیته، پاکسازی مناطق کویری و مرزی از قاچاقچیان را یکی از اجزای مهم برنامه‌های رژیم در مبارزه با این پدیده شوم ذکر کرد.

انتقاد احمد خمینی از سیاست "درهای باز" رفسنجانی

استکبار چه غربی و چه شرقی را کلید حل معضل اقتصادی نمی‌دانیم و معتقدیم نرمش در مقابل استکبار ما را به نیستی و تباهی سوق می‌دهد و هر روز ما فقیرتر و بدبخت‌تر می‌کنیم. سیاست‌های اقتصادی یکی از هرصه‌های اصلی جدال جناح‌های مختلف حکومتی است، رفسنجانی می‌گوید با شعار راه اقتصادی جناح مقابل را به عقب نشینی و ادارو سیاست درهای باز به روی غرب را با سرعت بیشتری پیش‌برد، اما مخالفین او حاضر به تمکین به این سیاست نیستند و در هر فرصتی آنرا مورد انتقاد قرار می‌دهند.

سید احمد خمینی در سخنرانی برای گروهی از مردم، سیاست‌های اقتصادی دولت رفسنجانی را مورد انتقاد قرار داد. وی در بخشی از سخنرانی خود گفت: ما اعتقاد داریم که همه مردم باید در راه باشند و تامل به راه عمومی هستیم اما تا آنجا که به آرماتهای انقلاب و حیثیت کشورمان صدمه نرسد، ما این پرسش را طرح می‌کنیم عده‌ای که شعار راه اقتصادی را می‌دهند چگونه و تا کجا این شعارشان دارای ارزش و اعتبار است؟ اگر می‌گوئیم روابط اقتصادی با کشورهای غربی داشته باشیم تا کجا می‌توانیم این روابط را گسترش دهیم، وی افزود: ما نرمش در مقابل

تعطیلی ۴۰ مغازه توسط کمیته

همراه باگشت کمیته در سطح شهرها و جاده‌ها متخلفین از قوانین اسلامی را مجازات خواهند کرد. در همین حال روابط عمومی کمیته اعلام کرد که از فعالیت مغازه‌ها و اماکنی که مقررات و شئون اسلامی در آنها رعایت نمی‌شود، قاطعانه جلوگیری خواهد کرد. در این اطلاعیه که روز ۳۰ آبان منتشر شده، خاطر نشان گردیده است که مأمورین کمیته ظرف ۴۸ ساعت ۱۱۰ واحد را مورد بررسی و نتایجش قرار داده و ۴۰ واحد از آنها را تعطیل کرده و به صاحبان ۷۰ واحد دیگر اخطار کتبی داده‌اند.

مختار کلانتری، فرمانده کل کمیته انقلاب اسلامی طی سخنانی اعلام داشت که جمهوری اسلامی مصمم است به مبارزه علیه "مفاسد اجتماعی" و بدحجابی ادامه دهد. وی گفت بدین منظور طرح دراز مدتی تهیه شده و به تصویب شورای امنیت ملی نیز رسیده است که بزودی، پس از تصویب در مجلس، به اجرا گذاشته خواهد شد. کلانتری افزود: علاوه بر این طرح، طرح کوتاه مدتی نیز شامل تشکیل دادگاه سیار در نظر گرفته شده که بر اساس آن حکام شرع



مصادر ه یک مرکز صدا و سیما

بدنبال صدور حکم دادگاه مبنی بر واگذاری ساختمان مرکز تحقیقات و مطالعات صدا و سیما جمهوری اسلامی به فردی بنام "الطعمه" که مدعی مالکیت این ساختمان می‌باشد، مأمورین پلیس قضایی همراه با ایادی "الطعمه" به این ساختمان یورش آوردند و آنرا مصادره کردند. روابط عمومی صدا و سیما طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد این ساختمان که قبلاً متعلق به بنیاد اشرف پهلوی بوده و بعداً به صورت رهن در اختیار بانک تجارت قرار گرفته، از سوی این بانک به "الطعمه" صلح شده و این فرد با پرداخت ۱۷ میلیون ریال ساختمانی را که قیمت کنونی آن بالغ بر یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال می‌باشد تصرف کرده است. بنا بر گزارش فوق این ساختمان که دارای میلیون هاتومان تجهیزات فنی و الکترونیکی می‌باشد توسط عوامل پلیس قضایی و "الطعمه" قمارت و بخشهایی از آن ویران شده است. پلیس قضایی مدعی است که کلیه تجهیزات ساختمان را در چند اتاق مهر و موم کرده و حفاظت از آنها را به "الطعمه" سپرده است.

افزایش سوانح ناشی از کار

توجهی به مسائل ایمنی و حفاظت و بهداشت کار در محیط‌های صنعتی و کاری است. وی در سخنرانی خود فاش ساخت که ۶۹ درصد کارگرانی که در محیط‌های پر سروصدا کار می‌کنند دچار کوری تریجی هستند. رئیس مرکز تحقیقات و تعلیمات و بهداشت کار گفت سالانه ۱۰ میلیارد ریال از سوی سازمان تامین اجتماعی صرف فرامت دارویی برای حوادث ناشی از کار می‌شود که اگر ۱۰ درصد این رقم برای آموزش ایمنی و بهداشت کار و پیشگیری از حوادث به مصرف برسد، میزان حوادث ناشی از کار به نصف کاهش خواهد یافت.

رئیس مرکز تحقیقات و تعلیمات و بهداشت وزارت کار در سمیناری که تحت عنوان ایمنی و بهداشت کار در شهر اراک تشکیل شد، گفت بین سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۰ تعداد معلولین ناشی از حوادث کار ۲۰ برابر نسبت به سنوات قبل از آن افزایش یافته است. به گفته وی طی همین فاصله زمانی پرداخت فرامت از سوی سازمان تامین اجتماعی تنها ۱۵ برابر افزایش یافته است. مطابق این گفته مقدار پرداخت فرامت ناشی از آسیب دیده‌گی بهنگام کار، بارشد سریع تعداد این گونه آسیب دیده‌گی‌ها هم‌خوانی ندارد و ناشی از کم

ماشین سپاه پاسداران روز ۲۹ آبان در خیابان سعدی تهران به صف منتظران اتوبوس کوبید. در این حادثه ۳ نفر کشته و تعداد زیادی مجروح شدند. خیابانها جولانگاه گزمنگان رژیم است. ساعت ۱۱ صبح در مسیر خطویژه اتوبوس "لندکروز" سپاه پاسداران با سرعت زیاد چه هدنی را دنبال می‌کرده‌است؟

همزمان با این اقدام، مجلس شورای اسلامی در مصوبه‌ای یک میلیارد تومان از بودجه صدا و سیما را کاهش داد. این مقدار برابر، با یک چهارم بودجه سالانه این سازمان می‌باشد. سرپرست سازمان صدا و سیما محمدحاشمی برادر هاشمی رفسنجانی است و تندروها بشدت از او ناراضی هستند و بارها او را متهم به سانسور نظرات و سخنان خود کرده‌اند، و اکنون با این اقدام به انتقام‌جویی از او پرداخته‌اند.

بدون تفسیر!

حقوق بشر برای روحانیون حوزه علمیه قم توسط آیت‌الله جوادی‌آملی تشکیل خواهد شد. این دوره از هشتم آذر ماه سال جاری در روزهای ۵ شنبه دایر می‌شود و در پایان، مدرک تخصصی با اعتبار و امتیاز داخلی به فارغ‌التحصیلان اعطا خواهد شد!

قم - خبرنگار اطلاعات: دوره تخصصی حقوق بشر برای فضلا و روحانیون حوزه علمیه قم تشکیل می‌شود. بر اساس اطلاعیه‌ای که از سوی دفتر امور روحانیون نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انتشار یافت، اعلام شد: دوره تخصصی

سه‌میه تازه برای ورود به دانشگاه

مختلف جزو سه‌میه ارگان‌ها و نهادهای وابسته به رژیم قرار دارد. هر ساله گروه بزرگی از مأموران سپاه، کمیته، بسیجی‌ها، نرزدانان قربانیان جنگ و... با شرایط ویژه و آسان به دانشگاه‌ها وارد می‌شوند و صدها هزار جوان غیر وابسته به نهادهای دولتی با درهای بسته مراکز آموزش عالی مواجه می‌شوند. در راستای این سیاست چندی پیش نیز اعلام شد که سه‌میه ویژه‌ای از دانشگاه‌ها به همسران "جانبازان بالای ۵۰ درصد" اختصاص یافته است.

حجت الاسلام ابوترابی نماینده خامنه‌ای در امور اسرای آزاده اعلام کرد که تمامی اسرای آزاده شده که دارای دیپلم هستند، بدون کنکور به دانشگاه راه خواهند یافت. ابوترابی گفت: آزادگان دیپلمه بدین منظور کافی است فقط در یک دوره پیش دانشگاهی شرکت کنند. زمان این دوره ۳ ماه خواهد بود و شرکت کنندگان در آن پس از تأیید شورای علمی بدون کنکور وارد دانشگاه خواهند شد. بخش عمده‌ای از ظرفیت ناچیز دانشگاه‌ها به طرق

مملکت اسلامی همه‌اش نظامی است

تجهیز، آماده‌سازی و ایجاد تسهیلات لازم برای بسیج هستند و من از بسیج که در حال خدمت به اسلام، کشور و انقلاب است دفاع خواهم کرد. نمایندگان مجلس نیز به مناسبت برگزاری هفته بسیج بیانیه‌ای انتشار دادند. در این بیانیه از سیاست‌های جناح حاکم انتقاد شده است. مراسم "بسیج مستضعفان" امسال بی‌روقت‌تر از سال‌های گذشته برگزار شد.

هفته "بسیج مستضعفان" از سوم تا دهم آذر ماه برگزار شد. در روز سوم این هفته خامنه‌ای طی سخنانی در مقابل گروهی از بسیجیان باردیگر بر ضرورت آمادگی نظامی جمهوری اسلامی تأکید کرد و گفت: مملکت اسلامی همه‌اش نظامی است. زنان و مردان ما باید آمادگی رزمی داشته باشند و خود را برای دفاع نظامی آماده کنند و این حکم اسلام است. وی گفت: مسئولین کشور موظف به

آیا ورزش از بن بست خارج می‌شود؟

مشوق‌ان نیز شده‌اند. وعده‌های فراوانی در جهت خارج کردن ورزش ایران از بن بست رخوت آور قبلی، تهیه امکانات، گسترش روابط بین‌المللی و موفقیت‌های آتی داده می‌شود. جامعه ورزشی ایران هنوز به این وعده‌ها باور ندارد و بخش عمده‌ای از آنها را ناشی از آن به نرخ روز خوردن مسئولین می‌داند. قضاوت واقعی نسبت به این موضوع که آیا رژیم جمهوری اسلامی حقیقتاً سیاست ضد ورزشی خود را دگرگون ساخته یا نه را باید به زمانی موکول ساخت که همچنان ناشی از قهرمانی تیم فوتبال فرو بخوابد.

دکتر ففوری فرد سرپرست سازمان تربیت بدنی طی مصاحبه‌ای اعلام کرد که امسال ۷ میلیارد ریال بودجه در اختیار سازمان تربیت بدنی قرار گرفته است. به گفته وی، این رقم نسبت به سال قبل ۵۰ درصد افزایش یافته است. به گفته وی وسایل و تجهیزات ورزشی جدیدی از کشورهای خارجی خریداری شده است.

پس از پایان بازیهای آسیایی و قهرمانی تیم ملی فوتبال حرکت چشمگیری در جامعه ورزشی ایران پدید آمده است. سران رژیم تاکنون نه تنها به روال قبلی در برابر این تحرک ایستادگی نکرده‌اند، بلکه

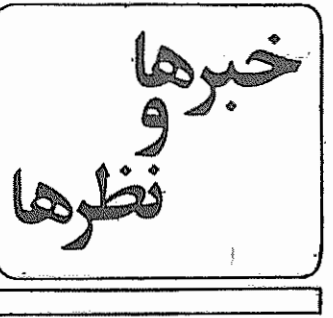
اخبار کوتاه ورزشی

- ایران در بازی رفت در تهران با نتیجه ۶ بر صفر بر حریف پاکستانی خود غلبه کرده بود.
- تیم ملی فوتبال امید شوروی که برای انجام ۴ مسابقه دوستانه به کشور ما سفر کرده است، روز جمعه در اولین مسابقه خود در برابر تیم استقلال تهران باشگاه‌های ایران قرار گرفت. این مسابقه که در ورزشگاه آزادی انجام شد با ۲ گل به نفع تیم امید شوروی به پایان رسید.
- در ادامه مسابقات جام حذفی باشگاه‌های تهران، تیم پیروزی تهران در تبریز در برابر تیم پیستون سازی این شهر قرار گرفت و با ۳ گل به پیروزی رسید. گل‌های پیروزی را فرهاد پیوس در دقیقه ۹ و ۳۲ و ناصر محمدخانی در دقیقه ۵۷ به ثمر رساندند. از این مسابقه ۲۰ هزار نفر دیدن کردند. تیم پیروزی تهران قرار است به نمایندگی از کشور مادر مسابقات جام در جام آسیا شرکت کند.
- تیم کشتی فرنگی ایران در مسابقات جام جهانی که با شرکت ۵ تیم در سوئد برگزار شد به مقام پنجم رسید. تیم‌های شوروی - کوبا - آمریکا و سوئد مقام‌های اول تا چهارم را بدست آوردند. تیم شوروی هر چهار مسابقه خود را با پیروزی به پایان رساند.

- روز ۵ شنبه گذشته یازدهمین دور بیست و نهمین دوره بازیهای المپیا در شطرنج انجام شد. این مسابقات که از ۲۵ آبان‌ماه آغاز شده تا پانزدهم آذر ماه ادامه خواهد یافت. در دور یازدهم قهرمانان شطرنج ایران در برابر تیم ایرلند به مساوی ۲ بر ۲ دست یافتند. تیم شطرنج ایران در پایان این دوره از مسابقات دارای ۲۱/۵ امتیاز است.
- تیم ایران در دوره‌های قبلی بر اروگوئه، السالوادور، و دومینیک، پاکستان و بولیوی غلبه کرده بود. دانمارک و کلمبیا از جمله کشورهایی بوده‌اند که موفق شدند شطرنج‌بازان ایران را شکست دهند.
- جمعه گذشته تیم فوتبال ارتش ایران با نتیجه یک بر صفر بر تیم ارتش پاکستان غلبه کرد و به مسابقات نهایی ارتش‌های جهان که سال آینده در هلند برگزار می‌شود، راه یافت. تنها گل این مسابقه را اعلی روزبجانی کاپیتان ایران در دقیقه ۵۲ بازی به ثمر رساند. این مسابقه در شهر اسلام‌آباد برگزار شد. تیم

پایان اعتصاب غذا

نشریه "هم وطن" گمانه‌ها اتحادیه ملی و دموکراتیک ایرانیان در فیلیپین (امداد فیلیپین) در شماره نوامبر خود خبر پایان اعتصاب غذای ۴ تن از پناهندگان ایرانی در فیلیپین را منتشر ساخته است. خبر این اعتصاب غذا در شماره ۳۲۰ اکثريت به چاپ رسیده بود. در اطلاعیه امداد فیلیپین خاطر نشان شده است: ۳ تن از پناهندگان ایرانی در حال اعتصاب غذا، به علت در خطر بودن سلامتیشان بعد از ۸۳ روز، اعتصاب غذای خود را در بیمارستان شکستند. نفر چهارم اعتصاب غذای خود را ۳۷ روز دیگر ادامه



سازمان کارگران انقلابی ایران:

خشمی مادر قبال بحران

سازمان کارگران انقلابی ایران چندین مقاله‌ی مقلاتی را تحت عنوان مباحث کنگره این سازمان منتشر می‌نماید. در بسیاری از این مقالات احکامی که در گذشته این سازمان بعنوان احکام قطعی اعلام می‌شد و تردیدکنندگان در مورد آن احکام مورد حملات تند و حتی دشنام قرار می‌گرفتند مورد سوال قرار می‌گیرند. در برخی از این مقالات مسائل امروز جنبش چپ مورد بحث قرار می‌گیرند. مادر اینجا بخش‌هایی از مقاله خشمی مادر قبال بحران چیست بقلم برهان رادرج می‌کنیم...

اگر بحران حاضر را بخواهیم اصلی‌ترین وجه آن بنامیم، بحران یک مدل از سوسیالیسم است. هم مدل ساختار سیاسی و هم مدل ساختمان اقتصادی. این مدل، به هر دلیل، به بن بست رسیده است. فراگیری بحران هم از این جاست که وجوه اصلی این مدل هویت داشته است در حالیکه در کشورهای سوسیالیستی یافتن و اتخاذ تدابیر عملی و فوری برای خروج از بحران مساله نقد و بلاواسطه کمونیست‌هاست و بحث‌های تئوریک و مبارزه ایدئولوژیک در مسیر چنین تلاشی است که جاری می‌شوند. کمونیست‌های کشورهای سرمایه‌داری از جمله ما به مسائل بحران سوسیالیسم به ناگزیر فقط برخورد نظری دارند. در واقع بحران در این طرف نقداً یک بحران نظری است که اگر حل نشود بحران در عرصه‌های عملی، یعنی بحران تشکیلاتی و انزوای توده‌ای - برای احزابی که پایه وسیع دارند - را می‌تواند ببار آورد. در رویکرد به بحران و در تلاش برای حل آن، تحلیل‌ها، ارزیابی‌ها نتیجه‌گیری‌ها و پیشنهادها بسیار متنوع و مختلفی در سراسر جهان ارائه می‌شوند که در کلیت خود دو راستای کاملاً متمایز و آشکارا متقابل دارند یکی راستای انتخاب سرمایه‌داری است. دیگری راستای اصلاح سوسیالیستی. اولی بر این است که سبلی نقد سرمایه‌داری به از حل‌های نسبه سوسیالیسم است. دومی بر آن که مبارزه برای سوسیالیسم را باید جدی‌تر گرفت و تئوری و پراتیک سوسیالیسم را در مسیر پیگیری این مبارزه باید اصلاح کرد.

امروز همه آنانی که خواهان سوسیالیسم بوده‌اند با یک سوال بسیار ساده مواجه‌اند. در برابر مدل

نامه سرگشاده به مردم آلمان

جنبش همبستگی ایرانیان برای آزادی و دموکراسی و جنبش ۲۱ اردیبهشت ماه زنان ایران طی نامه سرگشاده‌ای به مردم آلمان خواستار دفاع از حقوق بشر و پناهندگان سیاسی ایرانی گردیدند. در بخش‌هایی از این نامه آمده است:

پناهندگی سیاسی و همه کسانی که پناهندگی سیاسی‌شان به رسمیت شناخته شده است میهن عزیز خود را، زادگاه خود را، خویشاوندان و دوستان و هم‌بزرگان خود را به دلایل اقتصادی و با رضایت خاطر ترک کرده‌اند. والاترین آرزوی دل گرفته و پر درد ما این است که روزی بتوانیم به میهن خود بازگردیم. در راه تحقق این آرزو به کمک شما احتیاج داریم. این کمک و حمایت از اپوزیسیون و پناهندگان سیاسی که به رضای خاطر میهن خود را ترک کرده‌اند می‌تواند از سوی دولت آلمان، احزاب و شخصیت‌های مسئول سیاسی آلمان بدین گونه انجام پذیرد که آنان از حمایت‌های گوناگون خود از رژیم دیکتاتوری به مانند رژیم ملایان در ایران و صدام حسین در عراق دست بردارند، کمتر به دنبال انجام معاملات اقتصادی چندین میلیاردی بوده و بیشتر وظایف انسانی و اخلاقی خود را در قبال ستمدیدگان و محروم شده‌گان از حقوق انسانی جدی بگیرند. دفاع از حقوق بشر و حرمت انسانی در اعلامیه جهانی حقوق بشر و در تصویب نامه کنفرانس

همکاری‌های منطقه‌ای هلسنکی نه تنها ذکر گردیده، بلکه تمام کشورهای امضاکننده و از آن جمله کشور و دولت آلمان را مکلف به صیانت و پاسداری از آن حقوق در هر گوشه و کنار دنیا که مورد تجاوز قرار گرفته باشد، کرده و بویژه پناه دادن به کسانی که جان‌شان مورد خطر قرار گرفته، قویاً تصریح گردیده است.

با این تعریف، دولت آلمان، سازمان‌ها و احزاب سیاسی و وسایل ارتباط جمعی این کشور میبایستی این شعاعت و ملامت را از سوی مایبذیر ندکه آنان تا به حال خیلی بیشتر در اندیشه زدوبندهای دیپلماتیک و بستن قراردادهای تجاری چند میلیاردی خود بودند تا پشتیبانی و پایداری از حقوق بشر و حرمت پایمال شده انسانی پناهندگان سیاسی.

ما دور از میهن خود، در غربت، حاشیه نشینان جامعه‌ای هستیم که اکثرادر بدترین و ابتدائی‌ترین شرایط زندگی از نظر مسکن و دیگر احتیاجات روزمره بسر می‌بریم و با اتخاذ تصمیمات جدید مسئولین حکومت‌های مرکزی و ایالتی استان‌های آلمان، یعنی مجبور کردن پناهندگان به زندگی در مسکن‌های دست‌جمعی و ارتزاق دسته‌جمعی، نه تنها از ماعت حرمت شده، بلکه بر فشارهای روحی و جسمی ما دو چندان افزون گردیده است. این تصمیمات و تعهدات بندهای ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد را به سختی خدشه‌دار کرده است.

فردوسی کیست؟ شاهنامه چیست؟

بقیه از صفحه ۳

خراسان است) که مجموعه‌های است از روایت و حماسه‌های ملی که متاسفانه اصل اثر به ما نرسیده و تنها مقدمه‌اش باقی مانده است. و بعد از آن کوشش ارزشمند "دقیقی طوسی" است که بخشی از کارش را فردوسی تماماً در شاهنامه خویش نقل کرده است. اما تاکید باید کرد که فردوسی از این مواد گردآوری شده، تنها نسخه برداری ساده نکرده است. او از این منابع اولاً - برمی‌گزیده و ثانیاً - به خلق هنری می‌پرداخته است. تاکید می‌کنم که بویژه بخش حماسی شاهنامه یک بازآفرینی استادانه هنری است که به هیچ روی در اسناد متقدمش نشانه‌ای از آن رانیز نمی‌توان یافت.

در مورد تقسیم‌بندی شاهنامه هم اجمالاً می‌توان آریابه ۳ بخش، اسطوره‌ای، حماسی و تاریخی تقسیم کرد که با یادشاهی کیومرث (به مثابه بخش انسان نخستین) شروع می‌شود و به مرگ یزدگرد دوم پایان می‌یابد. و بیگمان باید گفت که نقطه اوج کار فردوسی، همان بخش حماسی شاهنامه است.

دموکر ایتسم شاهنامه

فردوسی خود از طبقه دهقانان ایرانی در آن دوره است. یعنی خرده مالکانی. که آزادند و پنده مز دور زمین نیستند و مالک بخشی از زمین هستند و از سوی دیگر به الیگارشی اشرافیت حاکم نیز ربطی ندارند. اکثریت روشنفکران و دانشوران مادر دوره مورد بحث (نظیر بوعلی سینا، رازی، بیرونی، خواجه نصیر و دیگران)، تماماً از میان همین قشر اجتماعی متوسط برخاسته‌اند. زیرا که امکان تحصیل دانش را داشتند و در همین حال بنا بر موقعیت اجتماعی‌شان مروجین متری‌ترین اندیشه‌های عصر خویش بودند.

به سراسر شاهنامه نیز اگر نگاه کنید و از همان نخستین مصرع که "به نام خداوند جان و خرد" آغاز می‌شود و تا پایان آن، شما به مفاهیمی مثل خداوند قهار و جبار بر نخواهید خورد، به این لحاظ مروجین قشری مذهبی حق دارند که با این تلقی فردوسی موافق نباشند. گفتنی است که وقتی حکیم ابوالقاسم فردوسی وفات می‌یابد، امام جمعه توس (که آخوندی قشری و مرتجع است) با دفن او در قبرستان مسلمین جدا مخالفت می‌کند و می‌گوید که جای جنازه یک رافضی که مدح مجوسان کرده، در گورستان مسلمانان نیست. در مورد برخورد فردوسی با شاهان و سلطنت هم که پیش‌تر گفتم و اشاره کردم که او بیش از هر چیز مروج عدل و انساندوستی و مخالف ظلم و خفقان با درک پیشروی روزگار خویش است.

یک زمینه دیگر قابل ذکر در همین مورد نیز دیدگاه بسیار مترقی و آزاد اندیشانه فردوسی با مسئله زن و عشق در شاهنامه است. شما اگر داستان عشق پاک و انسانی زال و رودابه را بخوانید، تخصصی در مناظره بسیار زیبایی تمیینه و سمرقند در نخستین دیدارشان بکنید و یا پاکی مثال زدن سیاوش را اگر بیاد آورید، خواهید دید که فردوسی چه اندیشه ترقیخواهانه‌ای در تمامی این موارد ارائه داده است.

توجه باید کرد که آزاداندیشی و دموکراتیسم فردوسی را باید در چهارچوب شرایط تاریخی مشخص‌اش ارزیابی نمود و هرگونه ایده‌آلیزه کردن اثر به گمان من بر خوردی هم‌ایمانه و غیر تاریخی با آن است.

جنجال پیرامون سخن شاعر

و اما یک نکته که این روزها مکرر از من سوال می‌شود، برخورد شاعر بزرگ معاصر ایران یعنی عزیز بزرگوار احمد شاملو با فردوسی و شاهنامه است. خبر این سخنرانی را نخستین بار ایران تایمز به شکلی تحریف شده چاپ کرد و به دنبالش طرفداران خاندان پهلوی نیز جنجالی فریب پیرامون آن به پا کردند. فوقای این اساتید هم (اگر که متن کامل سخنرانی را بخوانید) قابل فهم بود. زیرا که شاملو با آن طنز گزنده‌اش، شاهان ایران را در مجموع مشتاق دینگ و مشنگ خوانده و همین هم سخت به تریش قبای اساتید برخورد کرده و ولی واقعیت آن است که پیام اصلی شاملو در آن سخنرانی به جوانان این بوده که اسیر "تابو" و "اصول مقدس" نباشید و اینجا که اسباب تحقیق و تخصص‌های فراهم است و در این دوره‌ای که تمامی جامعه ایران در حال بازنگری خویش و تاریخ خود است، شما نیز با بلندنظری و بدور از هر تنگ

نظری و پیشداوری کار علمی بکنید و به عنوان مثال از شاهنامه و ضحاک و کاوه هم سخن گفته بود. ایراد مسئله به گمان من آنجاست که شاملو دو امر کاملاً مجزا (یعنی اساطیر و حماسه را با تاریخ) مخلوط کرده است. تا آنجا که به یک بحث علمی مربوط می‌شود فضلالی مثل دکتر باطنی و دیگران در ایران با آرامش و متانت یک مناظره تحقیقی پاسخ گفتند و هیچ جنجالی هم نشد. پس جنجال مورد بحث یک شاهنامه سیاسی بود از سوی دوستداران خاندان پهلوی که هیچ بوئی هم از مناظره علمی از آن به مشام نمی‌رسید. و این در حالی است که اساتید، مدعی دموکراتیسم و پذیرش پلورالیسم و تنوع عقاید هم شده‌اند.

با این ترتیب من با داوری شاملو موافق نیستم و معتقدم که پیش از او دیاکونف هم که اساطیر و تاریخ با شاهنامه را یکی گرفته، بر خطا بوده است، لکن هر یک از ما مجازیم که نقطه نظر خودمان را بگوئیم و اساساً در تنوع آرا است که اندیشه علمی می‌شکند و صدا البته اگر مرتکب خطائی هم بشویم، تاریخ حتماً گوش‌ما را خواهد کشید.

کلام آخر

در آخرین روزهای خرداد ۵۹ که قرار بود پس از "ضد انقلاب فرهنگی"، دانشگاهها را ببندند، با دوستان دانشگاهی‌مان قرار گذاشتیم که یک دوره فشرده شاهنامه را در کلاسهای دانشکده ادبیات تدریس کنیم، زیرا که رساندن پیام فردوسی به نسل جوان را در آن لحظه، وظیفه‌ای مبرم می‌دانستیم. در آخرین جلسه که طبق روال باید پرسش و پاسخ پیرامون جلسات سخنرانی و مواد درسی باشد، بچه‌ها توافق کردند که سوالي در بین نباشد تا من اگر نکته‌ای ناگفته دارم، برایشان بازگو کنم. و من در آن روزگار به این می‌اندیشیدم که برخلاف معمول کار فردوسی، از سر نوشت نهائی ۳ تن در این اثر و از مرگ آنها سخن نرفته است. این ۳ تن زال، رودابه (یعنی پرورندگان رستم) و سیمرغ یعنی حامی اساطیری او و پدرش، هستند. و باز اگر به یادتان باشد سیمرغ ۳ پر خویش را به زال داده بود که در سراسر داستان فقط ۲ تای آنها می‌سوزد و سومی باقی می‌ماند و در آن روزگار نوشتم:

در شاهنامه گفته بودمتان -

هر که زاده می‌میرد.

یعنی که مرگ نقطه پایان کارنامه هر شهمیار و هر بنده است.

چون سرگذشت رستم و اسفندیار -

اماز مرگ و میر ۳ تن، شاهنامه هیچ نگفته است:

رودابه، زال و سیمرغ

سیمرغ زنده است، رودابه زنده است و همان زال زنده است!

هم نیز و اسپین پر سیمرغ همچنان،

در دست زال!

از پنجره به شاهگاه دماوند دیده دوخته‌ام.

بر روی یال‌های دماوند، شعله شفق فتاده است.

گوئی که زال آتشی افروخته است.

تا و اسپین پری که ز سیمرغ مانده است، بسوزاند!

آیا نشان زادروز دگر باره رستمی است؟

سوی کلاس می‌نگرم.

لحظه‌ای

در چشم‌های روشن شاگردان،

یک آسمان ستاره دمیده است!

تهران پنجم خرداد ۵۹

دانشگاه ملی ایران

آلمان: نخستین انتخابات پس از وحدت

روز یکشنبه دوم دسامبر (۱۱ آذر)، نخستین انتخابات پارلمان آلمان فدرال پس از وحدت آلمان غربی و شرقی برگزار شد. نتیجه این انتخابات، سر نوشت دولت فدرال آلمان را نیز برای مدت چهار سال معلوم میکند. در لحظه تنظیم این خبر، گزارشی از نتایج انتخابات نرسیده بود، اما پیش از انتخابات، ناظران تقریباً تردیدی در مورد پیروزی مجدد ائتلاف دست راستی حاکم در بن نداشتند. با اینکه بعید به نظر می رسد محافظه کاران به رهبری هلموت کول بتوانند به اکثریت مطلق آرا و کرسی های مجلس دست یابند، اما کماکان خواهند توانست با کمک لیبرالها که سرشناس ترین چهره آنها گنشر

یلتسین خواهان "اتش بس" با گار باچف شد

پاریس یلتسین رئیس پارلمان جمهوری روسیه خواهان پایان دادن به رویارویی با میخائیل گارباچف رئیس جمهور شوروی شد. یلتسین در جلسه افتتاحیه نشست فوق العاده کنگره نمایندگان خلق جمهوری روسیه در حضور گارباچف خاطر نشان کرد مهمترین وظیفه رهبری سیاسی کشور مقابله با "خطر گرسنگی" و تامین مواد غذایی برای مردم است، و از این رو اختلافات سیاسی باید تحت الشعاع این امر قرار گیرد. یلتسین افزود اختلاف اکنون حکم یک تجمل را دارد که سیاستمداران مجاز به تسلیم به سوسه آن نیستند. رئیس پارلمان روسیه گفت: "وقتی تقسه های فروشگاهها خالی و برای مواد غذایی وجود داشته باشد، نمی توان از دموکراسی واقعی و آزادی واقعی سخن گفت." یلتسین که خود تا چند روز پیش گارباچف را به خاطر پیشنهادهای رئیس جمهور شوروی برای افزایش اختیارات رئیس جمهور مورد انتقاد قرار داده بود، اظهار داشت: "در روسیه به تجربه ثابت شده است که درگیری سیاسی، آینده ای ندارد و به بهای گزافی تمام می شود. سخنرانی یلتسین با کف زدنهای مکرر نمایندگان که تعداد آنها حدوداً ۸۰۰ نفر بود، همراه شد. رئیس پارلمان روسیه گفت دستور کار اصلی نشست، این است که "تقدیه مردم چگونه و با چه چیز انجام گیرد."

یلتسین در ادامه اظهاراتش خواهان دگرگونی بنیادین سیاست کشاورزی شوروی شد و گفت بحران غذایی، تنها از این طریق می تواند تحت کنترل قرار گیرد. او افزود: "ما اکنون چکسلواکی: موفقیت کمونیست ها در انتخابات بشهر داری ها روز ۲۵ نوامبر انتخابات شهر داری های چکسلواکی برگزار شد. در این انتخابات، حزب کمونیست چکسلواکی توانست به میزان قابل توجهی بر درصد آرای که در انتخابات پارلمانی ژوئن به دست آورده بود، بیافزاید. سخنگوی واسلا هاول، رئیس جمهور چکسلواکی پس از این انتخابات گفت: "من پنهان نمی کنم که درصد آرای کمونیست ها برای ما یک امر نامطلوب فیر منتظره بود." وی افزود شمار کل آرای کمونیست ها افزایش زیادی نشان نمی دهد اما با توجه به کاهش درصد مردم در انتخابات باعث افزایش سهم کمونیست ها شده است. سخنگوی واسلا هاول، هلت موفقیت کمونیست ها را "شبکه سازمان های محلی حزب کمونیست" دانست و چنین نتیجه گرفت که "باید فکری به حال پول

نتیجه غیر منتظره انتخابات لهستان

انتخابات ریاست جمهوری لهستان، که روز ۲۵ نوامبر (۴ آذر) برگزار شد، نتیجه غیره منتظره ای داشت: در مرحله دوم انتخابات، که نهم دسامبر (۱۸ آذر) انجام می گیرد، به جای تادئوش مازوویتسکی، کاندای دیگری بنام استانیسلاو تیمینسکی با لغ ولسار رهبر اتحادیه همبستگی رقابت خواهد کرد. در مرحله نخست، ولسا (۴۱ تیمینسکی ۲۳ و مازوویتسکی ۱۸ درصد آرا به دست آوردند. بدین ترتیب، ولسا و تیمینسکی به مرحله دوم راه یافتند. استانیسلاو تیمینسکی یک شهروند لهستان است که سالها پیش به کانادا مهاجرت کرده و در آنجا ثروتمند شده است. او علاوه بر تابعیت لهستان، تابعیت کانادا و پروورا نیز دارد و می گوید طرفدار "دموکراسی پول" است. لغ ولسا، موفقیت تیمینسکی را یک "سانحه کار" در گذار به دموکراسی دانست. او دولت مازوویتسکی را متهم کرد که با تعطل در انجام اصلاحات، باعث نارضایتی مردم و فراهم شدن

یلتسین در ادامه اظهاراتش خواهان دگرگونی بنیادین سیاست کشاورزی شوروی شد و گفت بحران غذایی، تنها از این طریق می تواند تحت کنترل قرار گیرد. او افزود: "ما اکنون چکسلواکی: موفقیت کمونیست ها در انتخابات بشهر داری ها روز ۲۵ نوامبر انتخابات شهر داری های چکسلواکی برگزار شد. در این انتخابات، حزب کمونیست چکسلواکی توانست به میزان قابل توجهی بر درصد آرای که در انتخابات پارلمانی ژوئن به دست آورده بود، بیافزاید. سخنگوی واسلا هاول، رئیس جمهور چکسلواکی پس از این انتخابات گفت: "من پنهان نمی کنم که درصد آرای کمونیست ها برای ما یک امر نامطلوب فیر منتظره بود." وی افزود شمار کل آرای کمونیست ها افزایش زیادی نشان نمی دهد اما با توجه به کاهش درصد مردم در انتخابات باعث افزایش سهم کمونیست ها شده است. سخنگوی واسلا هاول، هلت موفقیت کمونیست ها را "شبکه سازمان های محلی حزب کمونیست" دانست و چنین نتیجه گرفت که "باید فکری به حال پول

بهاران جنوب لبنان توسط اسراییل

هدف حمله، پایگاه های گروه تحت رهبری ابونضال و جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین به رهبری نایف حواتمه بود. صبح همین روز طی یک نبرد دو ساعته میان سربازان اسراییلی و چریک های جبهه خلق برای آزادی فلسطین به رهبری جرج حبش، پنج اسراییلی و دو فلسطینی کشته شده بودند.

بهاران جنوب لبنان توسط اسراییل

روز سه شنبه ششم آذر، اسراییل برای شانزدهمین بار در سال جاری میلادی مناطقی از لبنان را هدف حمله هوایی قرار داد. در این حمله، مواضع گروه های فلسطینی در نزدیکی بندر صیدا واقع در ۴۰ کیلومتری جنوب بیروت بمباران شدند. این بمباران به کشته شدن شش تن و مجروح شدن هشت نفر منجر شد.

بهاران جنوب لبنان توسط اسراییل

روز سه شنبه ششم آذر، اسراییل برای شانزدهمین بار در سال جاری میلادی مناطقی از لبنان را هدف حمله هوایی قرار داد. در این حمله، مواضع گروه های فلسطینی در نزدیکی بندر صیدا واقع در ۴۰ کیلومتری جنوب بیروت بمباران شدند. این بمباران به کشته شدن شش تن و مجروح شدن هشت نفر منجر شد.

بهاران جنوب لبنان توسط اسراییل

روز سه شنبه ششم آذر، اسراییل برای شانزدهمین بار در سال جاری میلادی مناطقی از لبنان را هدف حمله هوایی قرار داد. در این حمله، مواضع گروه های فلسطینی در نزدیکی بندر صیدا واقع در ۴۰ کیلومتری جنوب بیروت بمباران شدند. این بمباران به کشته شدن شش تن و مجروح شدن هشت نفر منجر شد.

بهاران جنوب لبنان توسط اسراییل

روز سه شنبه ششم آذر، اسراییل برای شانزدهمین بار در سال جاری میلادی مناطقی از لبنان را هدف حمله هوایی قرار داد. در این حمله، مواضع گروه های فلسطینی در نزدیکی بندر صیدا واقع در ۴۰ کیلومتری جنوب بیروت بمباران شدند. این بمباران به کشته شدن شش تن و مجروح شدن هشت نفر منجر شد.

بهاران جنوب لبنان توسط اسراییل

روز سه شنبه ششم آذر، اسراییل برای شانزدهمین بار در سال جاری میلادی مناطقی از لبنان را هدف حمله هوایی قرار داد. در این حمله، مواضع گروه های فلسطینی در نزدیکی بندر صیدا واقع در ۴۰ کیلومتری جنوب بیروت بمباران شدند. این بمباران به کشته شدن شش تن و مجروح شدن هشت نفر منجر شد.

بهاران جنوب لبنان توسط اسراییل

روز سه شنبه ششم آذر، اسراییل برای شانزدهمین بار در سال جاری میلادی مناطقی از لبنان را هدف حمله هوایی قرار داد. در این حمله، مواضع گروه های فلسطینی در نزدیکی بندر صیدا واقع در ۴۰ کیلومتری جنوب بیروت بمباران شدند. این بمباران به کشته شدن شش تن و مجروح شدن هشت نفر منجر شد.

بهاران جنوب لبنان توسط اسراییل

روز سه شنبه ششم آذر، اسراییل برای شانزدهمین بار در سال جاری میلادی مناطقی از لبنان را هدف حمله هوایی قرار داد. در این حمله، مواضع گروه های فلسطینی در نزدیکی بندر صیدا واقع در ۴۰ کیلومتری جنوب بیروت بمباران شدند. این بمباران به کشته شدن شش تن و مجروح شدن هشت نفر منجر شد.

بهاران جنوب لبنان توسط اسراییل

روز سه شنبه ششم آذر، اسراییل برای شانزدهمین بار در سال جاری میلادی مناطقی از لبنان را هدف حمله هوایی قرار داد. در این حمله، مواضع گروه های فلسطینی در نزدیکی بندر صیدا واقع در ۴۰ کیلومتری جنوب بیروت بمباران شدند. این بمباران به کشته شدن شش تن و مجروح شدن هشت نفر منجر شد.

بهاران جنوب لبنان توسط اسراییل

روز سه شنبه ششم آذر، اسراییل برای شانزدهمین بار در سال جاری میلادی مناطقی از لبنان را هدف حمله هوایی قرار داد. در این حمله، مواضع گروه های فلسطینی در نزدیکی بندر صیدا واقع در ۴۰ کیلومتری جنوب بیروت بمباران شدند. این بمباران به کشته شدن شش تن و مجروح شدن هشت نفر منجر شد.

بهاران جنوب لبنان توسط اسراییل

روز سه شنبه ششم آذر، اسراییل برای شانزدهمین بار در سال جاری میلادی مناطقی از لبنان را هدف حمله هوایی قرار داد. در این حمله، مواضع گروه های فلسطینی در نزدیکی بندر صیدا واقع در ۴۰ کیلومتری جنوب بیروت بمباران شدند. این بمباران به کشته شدن شش تن و مجروح شدن هشت نفر منجر شد.

جان میجر جانشین تاجر شد

هفته گذشته بدنال استعفا مارگارت تاجر از مقام نخست وزیری و رهبر حزب محافظه کار بریتانیا، فرانکسیون این حزب در مجلس هوم این کشور برای بار دوم ظرف هشت روز جهت گزینش رهبر حزب که طبق سنت، عمده دار مقام نخست وزیر نیز می شود، رای گیری کرد. در این رای گیری، سه نفر نامزد جانشینی تاجر بودند: جان میجر وزیر دارایی و داگلاس هرد وزیر خارجه کابینه تاجر و نیز مایکل هزل تاین وزیر دفاع پیشین که با کاندیداتوری خود علیه تاجر باعث کناره گیری وی شد. میجر به ۱۸۵، هزل تاین به ۱۳۱ و داگلاس هرد به ۵۶ رای دست یافتند. با اینکه طبق این نتیجه، می بایست برای انتخاب نخست وزیر جدید یک بار دیگر رای گیری به عمل می آمد، هزل تاین و هرد بنفع جان میجر ۴۷ ساله کاندیداتوری خود را پس گرفتند. بدین ترتیب همزمان با ترک مقر نخست وزیر در خانه شماره ۱۰ داونینگ ستریت لندن از سوی مارگارت تاجر، ملکه الیزابت میجر را به عنوان رئیس دولت جدید منصوب کرد.

جان میجر از سیاستمداران نسل جدید حزب محافظه کار است که در سال های هشتاد، یعنی دوره هدف حمله، پایگاه های گروه تحت رهبری ابونضال و جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین به رهبری نایف حواتمه بود. صبح همین روز طی یک نبرد دو ساعته میان سربازان اسراییلی و چریک های جبهه خلق برای آزادی فلسطین به رهبری جرج حبش، پنج اسراییلی و دو فلسطینی کشته شده بودند.

بهاران جنوب لبنان توسط اسراییل

روز سه شنبه ششم آذر، اسراییل برای شانزدهمین بار در سال جاری میلادی مناطقی از لبنان را هدف حمله هوایی قرار داد. در این حمله، مواضع گروه های فلسطینی در نزدیکی بندر صیدا واقع در ۴۰ کیلومتری جنوب بیروت بمباران شدند. این بمباران به کشته شدن شش تن و مجروح شدن هشت نفر منجر شد.

بهاران جنوب لبنان توسط اسراییل

روز سه شنبه ششم آذر، اسراییل برای شانزدهمین بار در سال جاری میلادی مناطقی از لبنان را هدف حمله هوایی قرار داد. در این حمله، مواضع گروه های فلسطینی در نزدیکی بندر صیدا واقع در ۴۰ کیلومتری جنوب بیروت بمباران شدند. این بمباران به کشته شدن شش تن و مجروح شدن هشت نفر منجر شد.

بهاران جنوب لبنان توسط اسراییل

روز سه شنبه ششم آذر، اسراییل برای شانزدهمین بار در سال جاری میلادی مناطقی از لبنان را هدف حمله هوایی قرار داد. در این حمله، مواضع گروه های فلسطینی در نزدیکی بندر صیدا واقع در ۴۰ کیلومتری جنوب بیروت بمباران شدند. این بمباران به کشته شدن شش تن و مجروح شدن هشت نفر منجر شد.

بهاران جنوب لبنان توسط اسراییل

روز سه شنبه ششم آذر، اسراییل برای شانزدهمین بار در سال جاری میلادی مناطقی از لبنان را هدف حمله هوایی قرار داد. در این حمله، مواضع گروه های فلسطینی در نزدیکی بندر صیدا واقع در ۴۰ کیلومتری جنوب بیروت بمباران شدند. این بمباران به کشته شدن شش تن و مجروح شدن هشت نفر منجر شد.

بهاران جنوب لبنان توسط اسراییل

روز سه شنبه ششم آذر، اسراییل برای شانزدهمین بار در سال جاری میلادی مناطقی از لبنان را هدف حمله هوایی قرار داد. در این حمله، مواضع گروه های فلسطینی در نزدیکی بندر صیدا واقع در ۴۰ کیلومتری جنوب بیروت بمباران شدند. این بمباران به کشته شدن شش تن و مجروح شدن هشت نفر منجر شد.

بهاران جنوب لبنان توسط اسراییل

روز سه شنبه ششم آذر، اسراییل برای شانزدهمین بار در سال جاری میلادی مناطقی از لبنان را هدف حمله هوایی قرار داد. در این حمله، مواضع گروه های فلسطینی در نزدیکی بندر صیدا واقع در ۴۰ کیلومتری جنوب بیروت بمباران شدند. این بمباران به کشته شدن شش تن و مجروح شدن هشت نفر منجر شد.

بهاران جنوب لبنان توسط اسراییل

روز سه شنبه ششم آذر، اسراییل برای شانزدهمین بار در سال جاری میلادی مناطقی از لبنان را هدف حمله هوایی قرار داد. در این حمله، مواضع گروه های فلسطینی در نزدیکی بندر صیدا واقع در ۴۰ کیلومتری جنوب بیروت بمباران شدند. این بمباران به کشته شدن شش تن و مجروح شدن هشت نفر منجر شد.

AKSARIYAT NO. 329 MONDAY 2DEC, 1990. Address: آدرس: RUZBEH POSTFACH 1810 5100AACHEN GERMANY. حساب بانکی: M.ABD NR. 35263011 37050198 Stadtsparkasse Köln GERMANY

اکثریت نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور. یکی از دلایلی که جرج بوش رئیس جمهور آمریکا برای تسریع در حمله نظامی به عراق عنوان کرده، این است که هر چه زمان بگذرد، امکان دستیابی عراق به سلاح اتمی بیشتر می شود.